هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکرنند محققاً آنان را به راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتي جمعیت اسلامي افغانستان



از فرموده های شهید صلح

سال های جهاد از سال های پرافتخار و با عظمت این سرزمین است. جمعیت اسلامی افغانستان با وجود اینکه سنگرهای جهاد را داغ نگهداشت، از سایرامور نیز باخبر بود.

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ ششم   ۱٦ ثور ۱۳۹۱   ۱۳ جمادی الثانی ۱٤۳۳ – 5 May 2012

جمعیت اسلامی افغانستان

طی همایش بزرگی، از ۸ ثور سالروز پیروزی جهاد مردم افغانستان تجلیل به عمل آورد



صلاح الدین ربانی:

◇ هشت ثور نتیجهٔ خونبهای میلیون ها شهید گلگون کفن، هزاران معیوب و معلول، آواره و مهاجر در تاریخ این سرزمین است.

•••

◇ جمعیت اسلامی افغانستان که اساسی ترین نقش را در همهٔ رویداد های سیاسی و تاریخی چند دههٔ اخیر کشور داشته، متعهد به پاسداری همهٔ این ارزش ها بوده و در هیچ مورده از مسایل ارزشمند ملی در کشور بی تفاوت نبوده است.

•••

◇ با تأکید و یقین کامل می گویم که، مناسبترین راه برای حفظ دستآوردهای جهاد و مقاومت، تامین صلح، ثبات و ترویج فرهنگ همدیگر پذیری است، و یقیناً خوشنودی ارواح شهداء، نیز در رسیدن به صلح پایدار و عادلانه در سرزمین مان است.

ص۳

پیامد های سفری در نیمه شب!

سرانجام سند استراتژیک با امریکا امضاء شد



اوباما:

امضای پیمان استراتژیک این پیام را به مردم افغانستان میدهد که شما تنها نخواهید بود. بر اساس این سند، پایگاه هایی در افغانستان ایجاد خواهد شد که در مبارزه علیه تروریسم کار کرده و نهادهای دیموکراتیک را تقویت می کند

سرانجام پس از دوسال پنهان کاری، باراک اوباما در سفری پنهانی و از قبل اعلام ناشده به افغانستان که دیر وقت شب اول ماه می صورت گرفت، سند استراتژیک را با حامدکرزی به امضاء رسانید. قراردادی که بخش مهم آن حضور تعداد نامشخصی از نیروهای امریکایی برای مدتی نامشخص در افغانستان خواهد بود. توافقنامه ای که جزئیات آن از دید مردم افغانستان و پارلمان کشور پنهان نگهداشته شده است.

حامدکرزی برای تصمیم در امضای این سند، لویه جرگهٔ عنعنوی را فراخواند. هرچند اعضای این جرگه از طرف حکومت دستچین شده بودند اما آنها هم هفتاد وشش ماده را به عنوان خطوط قرمز در امضای قرارداد استراتژیک مشخص ساختند. آقای کرزی به آنها قول داد که تمام این شرایط را در امضای سند استراتژیک رعایت خواهد کرد اما در عمل فقط به دو مسئله پرداخت؛ بازرسی های شبانه و ادارهٔ امور زندان ها توسط افغان ها. این دو شرط هم تاکنون در عمل تحقق نیافته است.

آقای کرزی به مردم افغانستان وعده داده بود که در امضای این قرارداد، حاکمیت ملی به عنوان یک اصل تخلف ناپذیر مدنظر خواهد بود، اما چنین نشد.

ص۲

امضای پیمان راهبردی، بیم ها و امیدها

حامد کرزی رئیس جمهور، جمهوری اسلامی افغانستان و بارک اوباما، رئیس جمهور ایالات متحدهٔ امریکا سند توافقنامهٔ همکاری های راهبردی را به نمایندگی از دو کشور، شب سه شنبه تاریخ ۱۲ ثور در ارگ ریاست جمهوری افغانستان امضاء کردند. رئیس جمهور امریکا در تاریکی سه شبنه شب در میان تدابیر شدید امنیتی وارد کابل شد و پس از امضای این سند، پیش از فرا رسیدن صبح، افغانستان را ترک کرد. هردو رئیس جمهور پس از امضای توافقنامه استراتژیک در یک کنفرانس خبری کوتاه شرکت کردند.

رئیس جمهور کرزی در این کنفرانس گفت: "قربانی های بی شمار مردم ما برای صلح و امنیت هنوز به نتیجهٔ مطلوب نرسیده است. امیدوارم این سند استراتژیک که از یک جانب نشانهٔ بارزی از ارادهٔ مشترک ما برای مبارزه با تروریسم و کمک به صلح و امنیت جهانی و صلح و امنیت افغانستان می باشد، از جانب دیگر موجب مصؤونیت و سعادت برای مردم افغانستان گردد".

آقای کرزی ابراز امیدواری کرد که سند همکاری های استراتژیک زمینهٔ ثبات منطقه ای را نیز فراهم خواهد کرد: "امضای سند همکاری های استراتژیک بین افغانستان و امریکا امیدواریم باعث ثبات، ترقی و رفاه در منطقهٔ ما شود".

رئیس جمهور ایالات متحدهٔ امریکا در این کنفرانس خبری گفت: "با این توافقنامه مردم افغانستان و جهان باید بدانند که افغانستان یک دوست و همکار در ایالات متحدهٔ امریکا دارد".

رئیس جمهور امریکا گفت، با امضای این توافقنامه مردم افغانستان خود آیندهٔ شان را در دست خواهند گرفت.

اوباما گفت: پس از این ایالات متحدهٔ امریکا افغانستان را در مبارزه با تروریسم همکاری خواهد کرد،

ص۸

موافقتنامهٔ همکاری های درازمدت ستراتیژیک
میان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و ایالات متحدهٔ امریکا

صفحات ۴ و ۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸٤۰۸٦۳۵ / ۰۷۷۲۰۳٦٤۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

چرا دولت از ۸ ثور تجلیل نکرد؟

هفته ای که گذشت سالروز پیروزی و حماسه آفرینی ملتی بود که چهارده سال تمام با قشون سرخ تا به دندان مسلح اتحاد شوروی وقت، مبارزه و پیکار نمودند، قوای متجاوز که قد برافراشته با ساز و برگ پیشرفتهٔ نظامی از طریق زمین و هوا وارد کشورما شده بود، مفتضحانه به شکست مواجه و مجبور به خروج گردید. سرانجام به تاریخ ۸ ثور ۱۳۷۱ هجری خورشیدی، پیروزی نصیب مردم مسلمان افغانستان شد. این پیروزی نتیجهٔ شهامت، ایثارگری، مجاهدت، از خودگذری و فداکاری ملتی بود که با دست خالی ولی با سلاح ایمان و باور، با درک حقانیت، منسجم شدند، به دفاع از ارزش ها، دین و نوامیس ملی و تمامیت ارضی بپا خاستند، اندرین راه بیش از یکنیم میلیون تن جان های شیرین شان را فدا کردند، معلول و معیوب شدند، حدود پنج میلیون تن دیگر با ترک کاشانه و دارایی شان، راه هجرت را در داخل و خارج کشور در پیش گرفتند که کمتر نظیر آن را در جهان شاهد هستیم.

با سپاس از مردم مسلمان و مجاهد و با سپاس از سران ادارات محلی در ولایات کشورمان، که از این روز تاریخی و افتخار آفرین تجلیل بعمل آوردند. اما آنچه جای تأسف است اینکه، دولت افغانستان چند سال است که به بهانهٔ نبود امنیت، توجه به تجلیل این روز تاریخی در کابل پایتخت کشور، ندارد. امسال در هشت ثور از طریق رسانه ها شاهد مهمانی صرف طعام چاشت با حضور اراکین بلند پایهٔ دولتی در ارگ ریاست جمهوری بودیم، که با این مهمانی، به تجلیل از بیستمین سالروز پیروزی جهاد مردم مسلمان افغانستان بسنده کردند.

عدم تجلیل و بزرگداشت ازین افتخار کلان ملی، بجز این که نسل انقلاب اسلامی و شامل این افتخارات را افسرده و بدبین به حاکمیت بسازد و نسل های امروز و فردا را در عدم آگاهی قرار دهد، دیگر چه پیامی را می توانند داشته باشد. آگاهان بدین باور اند، حلقاتی در داخل نظام اند که با سبوتاژ، تأخیر و دایر نشدن همایش افتخارات مردم افغانستان می خواهند آهسته آهسته به باد فراموشی سپرده شود. که شامل نکردن این دوره در نصاب درسی معارف را نیز می توان از این دست مخالفت ها خواند.

هرگاه موضع سیاسی پنداشته نشود و نبود امنیت در کشور مطرح باشد، بیش از چهل کشور جهان که در محافظت دولت افغانستان ایستاده اند، نتوانند همایشی را دایر و تأمین امنیت نماید، مردم را نسبت به این همه انتقال مسوولیت های امنیتی، تجهیز و ارتقای ظرفیت های پولیس ملی و اردوی ملی، و آیندهٔ با امن و با ثبات بی باور می سازد. در حالی که دیده شد دولت جرگه هایی را به سطح بلند دایر کرد، کنفرانس های مهمی را با اشتراک سران بیش از ده ها کشور خارجی در مرکز کابل میزبان بود.

چارسال پیش در اثر بی توجهی نیروهای امنیتی، همایش ۸ ثور برهم خورد، چند تن تروریست در نزدیکی محل برگزاری جشن هشت ثور، خود را جابجا و آن منطقه را هدف قرار دادند. اما می شود در طعام کسی زهر ریخت و با افشای آن تمام عمر غذا نخورد! بلکه توجه، درایت و مبارزه است که در برابر نابرابری ها فایق می آمد.

به دست آوردن افتخارات و نگهداری آن، به یقین تلاش، پی گیر، مبارزه، ایثار و فداکاری می طلبد. وقتی از روزهای ملی، ۸ ثور، جشن استقلال، هفتهٔ شهید و تاریخ پنج هزار ساله در کشور سخن می گوئیم و آن را افتخار گذشتگان وانمود می کنیم و به آن می بالیم، بدانیم که این همه افتخارات، با حلوا پخش کردن و دهن شیرین شدن و یا به باد هوا کمایی نشده بلکه، با اهدای خون فرزانه ترین فرزندان این مرزبوم به دست آمده است. باید به آن ارج گذاشت و پاسدار واقعی و دلسوز و مسوولیت پذیر این همه افتخارات بود. درغیر آن، خُرسندی دشمنان را در قبال خواهد داشت.

پیامد های سفری در نیمه شب!

سرانجام سند استراتژیک با امریکا امضاء شد

وحید مژده

ادامه از صفحهٔ اول

هیچ امریکایی در صورت جرم و جنایت، مطابق به قوانین افغانستان محاکمه نخواهد شد. امریکایی ها حق (قضاوت قُنسلی) یا به عبارهٔ دیگر (کاپیتالاسیون) را برای خود محفوظ می دانند.

سفر نیمه شب اوباما به افغانستان اهدافی سمبولیک را نیز در خود نهفته داشت. طیارهٔ حامل اوباما دقیقا زمانی به فضای افغانستان رسید که یک سال قبل درست در همین زمان، هلیکوپتر های امریکایی به هدف کشتن اسامه بن لادن در همین فضا به سوی ایبت آباد پاکستان در پرواز بودند. او می خواست سالگرد یک پیروزی را با پیروزی دیگری جشن بگیرد.

اوباما بعد از امضای این قرارداد، از پایگاه هوایی بگرام مردم امریکا را مورد خطاب قرار داد و هفت هزار مایل دورتر از خاک امریکا، پیروزی سربازان کشورش در جنگ علیه تروریسم را به اطلاع آنان رسانید. پیروزی ای که حتی خودش نیز به آن باور ندارد و همین اکنون هفتاد درصد از مردم امریکا مخالف حضور نیروهای شان در افغانستان اند.

حامدکرزی از مدتی قبل از امضای این قرارداد سخن گفته بود و در سوم ماه ثور، رسماً از نهایی شدن متن این قرارداد خبر داده شد. سپنتا مشاور امنیت ملی رئیس جمهور و زلمی رسول وزیر خارجه در پارلمان کشور فقط به شکل خلاصه به بعضی از مفاد این سند اشاره کردند و تصریح نمودند که در این سند مواردی وجود دارد که نظر به دلایل امنیتی نباید افشا گردد اما جزئیات اندکی که توسط آنها بیان شد شامل مسایل کلی بود از جمله اینکه، حمایت امریکا از افغانستان در برابر تجاوز کشورهای بیرونی، به شمول همسایه ها، مبارزه با تروریزم و همکاری های درازمدت امنیتی، بخش‌های عمدهٔ سند راهبردی افغانستان با امریکا را تشکیل می‌دهد.

رنگین دادفر سپنتا سر رشته دار اصلی این امر از جانب حامدکرزی، اهداف و چگونگی امضای سند همکاری‌های استراتژیک افغانستان با امریکا را به اعضای مجلس نمایندگان توضیح داد که نام این سند «موافقت نامهٔ همکاری های درازمدت استراتژیک میان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و دولت امریکا» می باشد.

به قول اسپنتا، حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان، تقویت نیروهای امنیتی افغان برای دفاع مستقلانه و حفظ دستآوردهای یازده سالهٔ افغانستان از تاکیدات اصلی افغانستان در این قرارداد بوده است. اسپنتا بخش هایی از فصل هشتم این قرارداد همکاری استراتژیک با امریکا را بر می‌شمرد و گفت که در فصل اول این قرارداد اهداف، ارزش‌ها و برابری دولت های دو جانب به اساس قانون اساسی دو کشور تاکید شده است.

تاکید بر حفظ ارزش‌های مشترک دموکراتیک به شمول حمایت از آزادی بیان و رسانه ها و انتخابات آزاد که در قانون اساسی افغانستان تسجیل شده است، شامل فصل دوم سند استراتژیک افغانستان با امریکا می باشد.

در اعلامیه ای که از سوی ارگ ریاست جمهوری نشر شده آمده است که رهبران جهادی نیز پس از بررسی سند همکاری های استراتژیک با امریکا، حمایت خود را از امضای این سند استراتژیک اعلام کردند.

گفته شده است که رهبران جهادی محتویات سند همکاری های استراتژیک با امریکا، را به نفع افغانستان خوانده و بر احترام متقابل و اهمیت گسترش روابط کابل – واشنگتن، تاکید کرده اند. اما سخنان اوباما در پایگاه بگرام مملو از تناقض بود که تلاش کرد آن را در لابلای جملات مورد پسند مردم امریکا بیان کند. وی گفت که ده سال قبل نیروهای ما به این دلیل به افغانستان آمدند تا اطمینان حاصل کنند که دیگر القاعده خطری برای ما نیست... با وجود موفقیت های اولیه، این جنگ مدت زمان بیشتری طول کشید... ایالات متحده نزدیک هشت سال جنگ را در عراق سپری کرد و متحدین بنیادگرای القاعده در میان طالبان شورشگری کشنده ای را آغاز کردند. اما در طی سه سال اخیر صفحه برگشت و ما طالبان را درهم شکستیم، نیروهای امنیتی قوی افغان را ساختیم، رهبری القاعده را با کشتن بیش از بیست تن از رهبران ارشد آنان متلاشی کردیم. یکسال قبل از پایگاه نظامی ایالات متحده در افغانستان، نیروهای ما عملیاتی را راه اندازی کرده و اسامه بن لادن را از بین بردند... تا هنوز هم روز های دشواری در پیش خواهد بود و قربانی های عظیم زنان و مردان ما ختم نشده است. امشب می خواهم به شما بگویم که چگونه ماموریت ما را در افغانستان به پایان رسانیده و جنگ افغانستان را خاتمه دهیم.

نخست اینکه ما انتقال مسؤولیت امنیتی را به نیروهای افغان منتقل کردیم... در نشست شیکاگو همکاران ما فیصله خواهند کرد تا در مدت یکسال آینده رهبری عملیات جنگ را نیروهای افغان به عهده بگیرند و نیروهای بین المللی، نقش مشورتی و پشتیبانی را به عهده خواهند داشت و در زمان نیاز در کنار آنها خواهند جنگید.

ما سربازان خود را به کشور خود بر می گردانیم. سال گذشته ده هزار سرباز امریکایی را از افغانستان بیرون بردیم و تا ختم تابستان سال روان، بیست هزار سرباز دیگر به خانه های شان برخواهند گشت و بعد از آن کاهش سربازان ما به تدریج ادامه خواهد یافت. همانگونه که متحدین ما فیصله کرده اند، تا ختم سال ۲۰۱۴ نیروهای افغان تمام مسؤولیت های امنیتی کشور شان را به عهده خواهند گرفت...

ما مشارکت پایداری را پی ریزی خواهیم کرد. امضای پیمان استراتژیک این پیام را به مردم افغانستان می دهد که شما تنها نخواهید بود. بر اساس این سند، پایگاه هایی در افغانستان ایجاد خواهد شد که در مبارزه علیه تروریسم کار کرده و نهادهای دیموکراتیک را تقویت می کند. این سند تلاش های افغان ها را برای انکشاف و تامین کرامت برای مردم شان حمایت کرده و حقوق بشری تمام افغان ها اعم از زن و مرد را حفاظت می کند... اما ما پایگاه های دایمی را در این کشور تشکیل نداده و در کوه ها و جاده های افغانستان به گشت زنی نمی پردازیم...

... ما به دنبال مذاکرات صلح به رهبری حکومت افغان ها هستیم. ادارهٔ من در مذاکرت مستقیم با طالبان بوده اند و ما واضح ساخته ایم که آنها می توانند بخشی از این روند باشند و مسیر صلح در برابر آنها هموار است. اگر خواهان صلح اند باید سلاح بر زمین بگذارند، از القاعده جدا شده و خشونت را تقبیح نموده و قانون افغان ها را به رسمیت بشناسند... آن هایی که صلح را رد می کنند، با نیروهای افغان با حمایت ایالات متحده روبرو خواهند شد.

ما اجماع سرتاسری را تشکیل می دهیم تا صلح و ثبات را در آسیای جنوبی حمایت کنیم. در نشست شیکاگو، جامعهٔ بین المللی از این برنامه حمایت خواهند کرد و من به همسایهٔ افغانستان، پاکستان واضح ساختم که می تواند شریک برابر در این روند باشد. به مصالح ملی، حاکمیت ملی و نهادهای دیموکراتیک پاکستان باید احترام گذاشته شود.

هدف ما در افغانستان ساختن کشوری به شکل و تصویر ایالات متحده نبوده بلکه، از بین بردن طالبان می باشد. تحقق این اهداف نیازمند سال های متمادی است، پول بیشتری را ضرورت دارد و از همه مهمتر قربانی های بیشتری را نیاز دارد. هدف ما از بین بردن القاعده بوده و ما به این هدف نزدیک می باشیم.

افغان ها به صلح نیاز دارند و تحقق آن نیازمند یک جدول زمانی است. کسانی سوال می کنند که چرا زود تر از افغانستان خارج نمی شویم؟ جواب اینست که افغانستان برای رسیدن به ثبات، ضرورت به وقت دارد در غیرآنصورت دستآوردهای ما از دست خواهد رفت و القاعده بار دیگر پایگاه های خود را در اینجا برقرار خواهد ساخت.

***

- هدف اصلی اوباما از این سفر، کمپاین انتخاباتی بود و از پایگاه بگرام خطاب به مردم امریکا تلاش کرد تا به یاد آنان بیاورد که در دوران او بود که اسامه بن لادن رهبر القاعده به قتل رسید اما القاعده هراسی به عنوان یک حربهٔ مهم برای دوام جنگ را همچنان مورد تاکید قرار داد. امریکا برای نابودی کامل القاعده نیاز به زمان طولانی، پول مالیه دهندگان امریکایی و حتی خون مردم این کشور دارد.
- صلح فقط با تسلیم شدن طالبان به امریکا ممکن و میسر است و طالبان فقط دو راه در پیش دارند؛ یا تسلیم شوند و یا مرگ را پذیرا گردند. اما طالبان در اعلامیه ای که روز دوم ماه می به دست نشر سپردند، به عزم خود برای دوام جنگ تا خروج آخرین سرباز خارجی تاکید کردند و با حملهٔ انتحاری بر یک کمپ امریکایی ها، به این سفر واکنش نشان دادند.
- مذاکرات صلح در قطر با امضای این سند به پایان رسید زیرا اولین خواست طالبان خروج نیروهای خارجی از افغانستان است.
- اوباما گفت که امریکا قصد ساختن پایگاه دایمی را در افغانستان ندارد اما پایگاه هایی را در افغانستان خواهد داشت و حضور امریکا در افغانستان تا آنگاه که نیاز باشد، ادامه خواهد یافت. به قول اوباما افغانستان برای ثبات نیاز به زمان دارد و بدون تردید زمان در دست امریکاست.
- حامدکرزی تلاش کرد تا به همسایه های افغانستان اطمینان بدهد که پایگاه ها و حضور خارجی ها در افغانستان تهدیدی برای آنان نخواهد بود اما در سند استراتژیک آمده است که امریکا از خاک افغانستان به عنوان نقطهٔ آغاز حمله علیه هیچ کشوری استفاده نخواهد کرد اما برای ادامهٔ حمله چطور؟

صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح در همایش تجلیل از بیستمین سالروز پیروزی جهاد مردم افغانستان:

هشت ثور یادآور میثاق ملت مجاهد افغانستان با خدا و روز پیروزی حق بر باطل است

مجاهدین عزیز، قهرمانان جهاد و مقاومت، علمای محترم، اعضای محترم کابینه، وکلای محترم پارلمان، خواهران و برادران!

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

سالروز پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به عنوان داعیهٔ برحق مردم سرافراز، مجاهد، با صلابت و حماسه آفرین را بر قاطبهٔ ملت مومن و همیشه درصحنهٔ افغانستان مبارکباد می گویم!

پیروزی جهاد پرافتخار کشورما، به مثابه یکی از پر رنگ ترین رخدادهای تاریخ معاصر بشری، دستآوردِ انکار ناپذیرِ مردم مومن و فدار کار این سرزمین است.

آگاهان را پوشیده نیست که انقلاب اسلامی افغانستان، به عنوان بزرگترین تحول تاریخی در واپسین سدهٔ اخیر، نه تنها منجر به شکست یکی از قطب های بین المللی قدرت گردید، بلکه با به چالش کشیدن ذهنیت و نگاه مادی محور، باور معطوف به ارزش های تعریف شدهٔ معنوی و الهی را، تقویت بخشیده است.

اما متأسفانه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام نوپای مجاهدین، عناصر معتقد به تیوری توطئه با طراحی یک استراتژی جدید از آنسوی مرزها و استخدام عواملِ مزدور، با دسایس شوم، دولت نوپای مجاهدین را هدف قرار دادند.

بی تردید، جامعهٔ جهانی به ویژه کشورهای همسو با مجاهدین در دوران جهاد، به محض پیروزی انقلاب اسلامی، ملت مظلوم افغانستان را در جهت **تاسیس** یک نظام سیاسی مبتنی بر ارزش های جهاد تنها گذاشته و حتی حاضر به بازگشایی نمایندگی های سیاسی شان در کابل نگردیده و نسبت به مسؤولیت بشری شان در قبال اعمار مجدد و تامین صلح و ثبات دایمی در کشور بی تفاوتی اختیار نمودند.

و این چیزی جز اهمالِ قدرت های بزرگِ مدعی دولت سازی، تامین صلح و دموکراسی، نسبت به حماسهٔ بزرگ تاریخی که به وسیلهٔ قهرمانان راستین و باصلابت این سرزمین آفریده شد، تلقی نمی گردد.

و در نتیجهٔ بی توجهی غیر قابل توجیه، بخش بزرگی از دنیا نسبت به مجاهدین و دولت نوپای اسلامی، زمینه و بسترِ طرحِ توطئه های بزرگ منطقوی فراهم شد.

رهبران مجاهدین و نخبگان سیاسی کشور در مقابل دسیسه های پیدا و پنهانِ عواملِ منطقوی و فرامنطقوی که در پی تامین منافع خود بودند، فرصت تحکیم و توسعهٔ پایه های نظام سیاسی سرتاسری، اعمار مجدد کشور، تحقق آرمان های شهداء و معلولین، و تامین صلح و ثبات را از دست دادند. اما رهبری خردمندانهٔ دولت اسلامی و سران محترم جهادی با درک مسؤولیت های دینی، ملی و تاریخی شان در جهت دفاع از تمامیت ارضی و ارزش های مدوّن جهادی با اتخاذ یک دپلماسی درآمیخته با خرد، گذشت و حکمت برای رسیدن به یک گفتمان منطقی ملی با تمام جناح های سیاسی موجود در داخل و بیرون از کشور مبادرت ورزیدند.

و حتی در تقسیم عادلانهٔ قدرت سیاسی در میان احزاب جهادی و دیگر جریان های فکری و سیاسی موجود درکشور بی تفاوت نمانده و ضمن اعلان عفو عمومی، فرصت و زمینه را برای حضور همه طیف های سیاسی در کشور فراهم ساخت.

خواهران و برادران!

تاریخ سه دههٔ اخیر کشورما با نام جهاد و مبارزهٔ قهرمانان این حوزهٔ بزرگ مدنیت، فرهنگ و عرفان گره خورده است، و مبارزهٔ ملت افغانستان، به عنوان یک دستآورد بزرگ ملی و بین المللی در قرن بیست برای کشورما، مایهٔ سربلندی، و برای جهان اسلام، سبب بیداری و آزادی ملت ها از قید نظام های بسته و استبدادی شده است.

هشت ثور یادآور میثاق ملت مجاهد افغانستان با خدا و روز پیروزی حق بر باطل، خون برشمشیر، عزت بر ذلت، آزادی بر بردگی، در کشور است.

هشت ثور نتیجهٔ خونبهای میلیون ها شهید گلگون کفن، هزاران معیوب و معلول، آواره و مهاجر در تاریخ این سرزمین است.

همان گونه که در جریان جهاد مقدس، صدها هزار هموطن ما شهید و میلیون ها تن زخمی، معلول و آواره شدند، در جریان مقاومت ملی، نیز هزاران تن از فرزندان این سرزمین جان های شیرین خویش را در راستای حفظ استقلال، آزادی، عزت و سربلندی افغانستان هدیه نمودند.

شهادت اسطورهٔ جهاد و مقاومت مردم افغانستان، قهرمان ملی کشور شهید احمد شاه مسعود، که در واپسین روزهای مقاومت ملی رخ داد، نمونه ای بزرگِ از فداکاری های این دوره است.

بعد از دورهٔ مقاومت، شخصیت هایی همچون حاجی عبدالقدیر، سید مصطفی کاظمی، میرویس صادق، جنرال محمد داوود، مولانا عبدالرحمن سید خیلی، خان محمد خان مجاهد، خاکریزوال، احمد ولی خان کرزی؛ مولانا شاه جهان نوری؛ جنرال عبدالمطلب بیک؛ جنرال زکیم شاه خان؛ قوماندان شیر عرب و ملک زرین خان و صدها شهیدِ گمنام دیگر، این راه ادامه یافت.

امروز ما در حالی از هشتم ثور، روز پیروزی مجاهدین تجلیل می نمائیم که پیشوای بزرگ نهضت اسلامی و رهبر جهاد و مقاومت و صلح مردم افغانستان را با خود نداریم. فداکاری و رشادت همهٔ این مجاهدان به خصوص آن مرد بزرگ، مایهٔ افتخار این کشور و سرزمین است، اکنون که کشور در حالت و وضعیت دیگری بسر می برد، نبود آنها در میان ما به عنوان یک خلای بزرگ و غیر قابل جبران احساس می شود.

حضار گرامی!

اساسی ترین هدف این مردان بزرگ تامین امنیت، صلح و وحدت ملی در کشور بود، پس برماست که تا راه آنها را تعقیب و صلح سراسری را در کشور حاکم گردانیم.



همه می دانیم که کشور عزیزمان، بیشتر از هر زمانی به همبستگی ملی و صلح و ثبات نیاز دارد؛ بدون آرامش و ثبات سیاسی، هیچگاهی توفیق این را نخواهیم داشت که کشورمان را به توسعه و رفاه برسانیم.

عده ای نگران اند که تلاش های صلحجویانه در جهت مخالف با ارزش های جهاد و مقاومت است. اما فراموش نشود، جهاد ما، مقاومت ما، و مبارزهٔ سیاسی ما در گذشته نیز برای صلح بوده، و امروز نیز برای رضای خداوند و سعادت ملت مان در این مسیر تلاش می کنیم.

با تأکید و یقین کامل می گویم که، مناسبترین راه برای حفظ دستآوردهای جهاد و مقاومت، تامین صلح، ثبات و ترویج فرهنگِ همدیگر پذیری است، و یقیناً خوشنودی ارواح شهداء، نیز در رسیدن به صلح پایدار و عادلانه در سرزمین مان است.

باید تاکید نمایم، صلحی را که مردم افغانستان می خواهند هیچگاهی در تضاد با منافع علیای ملی، ارزش های جهاد و مقاومت و دستآورد های بزرگ ده سال اخیر نیست.

جمعیت اسلامی افغانستان که اساسی ترین نقش را در همهٔ رویداد های سیاسی و تاریخی چند دههٔ اخیر داشته، متعهد به پاسداری همه این ارزش ها بوده و در هیچ مورد از مسایل ارزشمند ملی در کشور بی تفاوت نبوده است.

از همه طیف های مختلف اعم از جریان های سیاسی، نهاد های مدنی، علمای محترم دینی، فرماندهان سلحشور جهادی و تشکل های مختلف اجتماعی، به ویژه جوانان می خواهد که در پی پیش برد رسالت ملی شان درین برههٔ حساس تاریخی، با درک عمیق از شرایط، برخورد مسؤولانه در قبال مسایل داشته باشند.

ازکشورهای همسایه و اسلامی که مسؤولیت های تاریخی شان را در دوران جهاد با مردم افغانستان انجام دادند می خواهیم تا در راستای تامین صلح و ثبات در افغانستان، مارا بیشتر از پیش یاری رسانند.

ما برتلاش و بسیج همگانی به خاطر تامین صلح در کشور، برای این تاکید می کنیم که کارها و مسایل بزرگی در پیش رو داریم، و بدون صلح در کشور، موفقیت در انجام این کارها دشوار به نظر می رسد.

در حالی که ما روند انتقال مسؤولیت های امنیتی را از نیروهای بین المللی به نیروهای افغان پیش رو داریم، انتخابات ریاست جمهوری نیز در پیش روی ماست.

این همه مسایلِ دشوار و کلان، نیاز به بستر آرام و صلح دارد، به همین دلیل یکبار دیگر از این تریبون و در همین روز تاریخی، همهٔ مجاهدین و فرزندان دلسوز این کشور را فرا می خوانم تا در راستای تامین صلح در کشور بسیج شوند.

حق مشروع تعیین سرنوشت و ادارهٔ مملکت از دستآوردهای جهاد و ارزش های پایدار ملی می باشد. تاریخ مبارزات سیاسی کشور ما نشان می دهد که ملت افغانستان برای کسب استقلال و حفظ آن قربانی های فراوان را متحمل شده است، هر اقدام سیاسی که بر خلاف قانون اساسی، آرمان های شهداء و مصالح علیای کشور باشد، قابل قبول نیست.

بناءً جریان های سیاسی و گروهی در خصوص برنامه های شان با شیوه های معقول و راهکارهای ملی برنامه های شان را روی دست داشته باشند.

من به عنوان سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح، از دولت افغانستان جداً می خواهم که در جهت شناسایی و دستگیری عاملین ترور رهبر فقید جهاد و مقاومت و شهید صلح افغانستان، مسؤولانه تلاش نموده و نتایج قابل قبول را برای ملت افغانستان ارایه نمایند.

در اخیر ضمن اظهار قدردانی از همهٔ دست اندرکاران و برگزارکنندگان همایش امروزی، از حضور صمیمی هریک از شما سپاس گزارم و آرزومندم که خداوند ملت رنجدیدهٔ افغانستان را در جهت رسیدن به صلح و ثبات پایدار یاری رساند.

و ما ذالک علی الله بعزیز

موافقتنامهٔ همکاری های درازمدت ستراتیژیک میان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و ایالات متحدهٔ امریکا



بخش اول:
دیباچه

دولت جمهوری اسلامی افغانستان (ازاین پس افغانستان) و دولت ایالات متحده امریکا (ازاین پس ایالات متحده) از سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۰ هجری شمسی) بدینسو در همکاری نزدیک به منظور دفع تهدید های متوجه صلح و امنیت جهانی و به هدف کمک به مردم افغانستان برای تامین آینده‌ء با امن ، دیموکراتیک و شگوفا ، قرار داشته اند که حاصل ان امروز قرار گرفتن افغانستان درمسیر خود کفایی پایدار در امنیت ، حکومت داری و توسعه اجتماعی و اقتصادی ، و همکاری سازنده در سطح منطقه میباشد.

طرفین مراتب قدردانی شان را از توصیه های لویه جرگه عنعنوی ماه نوامبر سال ۲۰۱۱ (ماه عقرب سال ۱۳۹۰) که در بخشی از آن چنین آمده است ، ابراز میدارند:

" با تاکید روی نیاز به حفظ دستاوردهای ده سال گذشته ، احترام به قانون اساسی افغانستان ، حقوق زنان و آزادی بیان و با درنظرداشت وضعیت حاکم در منطقه ، همکاری های ستراتیژیک با ایالات متحده امریکا ، که یک دوست ستراتیژیک نظام و مردم افغانستان میباشد ، به منظور تامین امنیت سیاسی ، اقتصادی و نظامی کشور ضروری پنداشته میشود . امضای سند همکاری های ستراتیژیک با ایالات متحده امریکا در همنوایی با منافع ملی افغانستان بوده و از اهمیت زیادی برخوردار است ، .... درامضای این سند افغانستان و امریکا – طبق منشور سازمان ملل متحد – به عنوان دو کشور مستقل و مساوی شناخته میشوند"

با تاکیدبراراده مشترک شان جهت تحقق هرچه بیشتر آرزوی مردم افغانستان برای دستیابی به یک دولت با ثبات ، مستقل مبتنی برقانون اساسی این کشور و آرزو های مشترک دیموکراتیک ، به شمول احترام به حقوق و آزادی های اساسی همه زنان و مردان ، افغانستان و ایالات متحده امریکا (از این پس طرفین) تعهد مینمایند تا همکاری درازمدت ستراتیژیک خویش را در ساحات مشترک مورد علاقه به شمول تحکیم صلح ، امنیت و مصالحه ملی ، تقویت نهادهای دولتی ، حمایت از توسعه اقتصادی و اجتماعی درازمدت افغانستان و تشویق همکاری منطقوی تقویت کنند ، با رعایت اهمیت مداوم تعهدات شان در کنفرانس های سال ۲۰۱۰ درکابل ولندن (کنفرانس لندن در سال ۱۳۸۸ و کنفرانس کابل در سال ۱۳۸۹) و همچنین کنفرانس بن ۲۰۱۱ (۱۳۹۰) ، طرفین براراده خویش مبنی بر تقویت نهادهای دولت افغانستان و ظرفیت حکومتداری به هدف گسترش همکاری درازمدت ستراتیژیک در ساحات یاد شده ، تاکید مینمایند.

همکاری میان افغانستان و ایالات متحده بربنیاد احترام متقابل و منافع مشترک ، بخصوص مبتنی بر تحقق آرزوی دو طرف برای صلح استوار می باشد . هدف این همکاری همانا تقویت تلاش های جمعی برای داشتن منطقه ای می باشد که درآن همگرایی اقتصادی تحقق یافته و دیگر پناه گاه امنی برای القاعده و گروه های وابسته به آن نباشد.

افغانستان و ایالات متحده با اعتماد و تعهد به اینکه می توانند با توسل به این موافقتنامه یک آینده مبتنی بر عدالت ، صلح و امنیت و فرصت های لازم را برای مردم افغانستان فراهم آورند به این همکاری می پردازند.

احترام به حاکمیت ملی و برابری دولت ها تهداب این همکاری را تشکیل می دهد . احترام به حاکمیت قانون و همچنین رعایت صریح و روشن قانون اساسی و تمامی قوانین نافذه افغانستان بنیاد های این همکاری را قوت می بخشند . طرفین برتعهد نیرومند شان به حاکمیت ملی ، استقلال ، تمامیت ارضی و وحدت ملی افغانستان ، مجدداً تاکید میدارند.

با درنظر داشت موارد یاد شده ، طرفین برموارد زیر توافق میکنند:

بخش دوم:
حفظ و تقویت ارزش های مشترک دیموکراتیک

۱-طرفین موافق اند که تعهد استوار به حفظ و تقویت ارزش های دیموکراتیک و حقوق بشر ازپایه های بنیادی توافق و همکاری درازمدت شان میباشد.

۲- با تاکید براهمیت محوری ارزش ها و اصول قانون اساسی خویش ، افغانستان بر تعهدش در راستای حکومت داری فراگیر و کثرت گرا به شمول برگزاری انتخابات آزاد منصفانه و شفاف به گونه ای که تمامی مردم افغانستان بتوانند در فضای عاری از مداخلات داخلی یا خارجی درآن شرکت کنند ، مجدداً تاکید میدارد . با درک تعهداتی که درکنفرانس بن ۲۰۱۱ (۱۳۹۰) اعلام شد ، افغانستان پروسه انتخابات را تقویت و بهبود میبخشد.

۳-افغانستان برتعهدش مبنی بر حمایت حقوق بشری و سیاسی در مطابقت با قانون اساسی و مکلفیت های بین المللی اش به شمول میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ، مجدداً تاکید میکند. دراین خصوص افغانستان تمامیت و ظرفیت نهادها و پروسه های دیموکراتیک در کشور را با اتخاذ گام های موثر جهت تحکیم بیشتر کفایت و موثریت هرسه قوه دولت مبتنی برمرکزی بودن نظام حکومتی ، و حمایت از شگوفایی یک جامعه مدنی پویا به شمول رسانه های آزاد و باز ، تقویت میکند.

۴- افغانستان برتعهدش مبنی بر اینکه هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است ، و نیز تامین حقوق و آزادی هایی که قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان برای تمامی افغان ها تضمین کرده است ، مجدداً تاکید میکند. افغانستان مطابق با احکام قانون اساسی و مکلفیت های بین المللی خود ، نقش ارزنده زنان درجامعه را طوری تامین و گسترش می دهد که آنها بتوانند از حقوق اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، مدنی و فرهنگی شان کاملاً برخوردار شوند.

بخش سوم
تحکیم امنیت درازمدت

۱-طرفین مجدداً تاکید میدارند که حضور و اجراات قوای ایالات متحده از سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۰) بدینسو درافغانستان به هدف شکست دادن القاعده و گروه های وابسته به آن بوده است . طرفین به قربانی های بیشمار و رنج مردم افغانستان در مبارزه علیه تروریزم در طول این سالها ، و تهدیدات مداومی راکه مانع تحقق آرزوی شان برای رسیدن به صلح ، امنیت و رفاه شده است ، احترام گذاشته و آنرا درک میکنند . طرفین همچنان از قربانی هایی که مردم ایالات متحده دراین مبارزه متقبل شده اند ، قدردانی بعمل می آورند.

۲- به منظور تحکیم امنیت و ثبات در افغانستان ، کمک به صلح و ثبات منطقوی و بین المللی ، مبارزه با القاعده و وابسته گان اش ، و نیز به هدف افزایش توانمندی افغانستان برای دفع تهدیدات علیه حاکمیت ملی ، امنیت و تمامیت ارضی افغانستان ، طرفین به تلاش های شان جهت تقویت همکاری نزدیک در اتخاذ تدابیر دفاعی و امنیتی طبق فیصله جانبین ، همچنان ادامه میدهند.

الف . مکلفیت های طرفین دراین موافقتنامه و هرگونه تدابیر بعدی دیگر ، برحاکمیت ملی افغانستان در حدود سرزمین اش و برحق دفاع مشروع هریک از طرفین در مطابقت با حقوق بین المللی تاثیر گذار نمیباشد.

ب- طرفین مطابق طرزالعمل های داخلی شان ، روی یک " موافقتنامه دوجانبه امنیتی " مذاکرات را آغاز می نمایند . این مذاکرات بعداز امضای این موافقتنامه همکاری ستراتیژیک آغاز گردیده و در ظرف یک سال نهایی می گردد . این موافقتنامه امنیتی جایگزین " توافقنامه چگونگی حضور پرسونل امنیتی و ملکی ایالات متحده امریکا درافغانستان به هدف همکاری برای پاسخ به تروریزم ، ارائه کمک های بشردوستانه و ملکی ، آموزش و تمرینات نظامی و سایر فعالیت های ۲۰۰۳ (مصوب سال ۱۳۸۲) و توافقات و تفاهماتی که طرفین برمغایرت احکام آن با "موافقتنامه دوجانبه امنیتی " موافقت نمایند ، میشود.

ج- اجرای عملیات جاری نظامی براساس چارچوب هایی که شامل تفاهم نامه انتقال بازداشت گاه های ایالات متحده (منعقده ۲۰۱۲ " ۱۳۹۰ ") و یاد داشت تفاهم افغانی ساختن عملیات خاص (منعقده ۲۰۱۲ "۱۳۹۱") میشود ، الی زمانی ادامه می یابد که این چارچوب ها توسط " موافقتنامه دو جانبه امنیتی " با تدابیر دیگر ، به موافقه طرفین جای گزین گردند . این مکلفیت ، الی نسخ آن ، بر وضعیت ، تعهدات و تفاهمات شامل چارچوب یاد شده در بالا ، تاثیر گذار نمی باشد.

۳-ایالات متحده به منظور کمک در ایجاد یک چارچوب دراز مدت همکاری های دوجانبه امنیتی و دفاعی ، افغانستان را به عنوان " متحد عمده خارج ناتو " تلقی می نماید.

۴- طرفین برحمایت نیرومند شان از تلاش های افغانستان در راستای صلح و مصالحه تاکید مینمایند.

الف – افراد و گروه هائی می توانند شامل روند صلح و مصالحه گردند که : با القاعده قطع رابطه کنند ، از خشونت دست بردارند ، و به قانون اساسی افغانستان بشمول ضمانت های آن به حقوق همه زنان و مردان این کشور ، احترام بگذارند

ب- افغانستان تاکید می دارد تا در تمامی اقدامات و تفاهمات دولتی در خصوص صلح و مصالحه ، ارزش های مندرج در قانون اساسی افغانستان را رعایت کند.

۵-بعداز سال ۲۰۱۴(۱۳۹۳) ، ایالات متحده سالانه منابع پولی را برای حمایت از آموزش ، تجهیز ، مشورت و تداوم نیروی های امنیتی افغانستان به منظوری درخواست میکند تا افغانستان بتواند به گونه مستقلانه امنیت خود را تامین نموده و در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی از خود دفاع کند ، تا تروریستان هرگز نتوانند باردیگر به خاک افغانستان رخنه کرده و تهدیدی را متوجه افغانستان ، منطقه و جهان بسازند.

الف – این حمایت باید شامل موارد آتی گردد : (۱) کمک در ایجاد امکانات مناسب با درنظر داشت ماهیت متحول تهدیداتی که ازسوی طرفین به عنوان خطر علیه ثبات افغانستان تلقی شوند (۲) حمایت از تلاش هایی که موجب دست یابی دولت افغانستان به یک ساختار پایدار امنیتی گردد ، و (۳) تقویه ظرفیت نهادهای امنیتی افغانستان.

ب-"گروپ کاری افغانستان – امریکا در امور دفاع و امنیت " که درچارچوب این موافقتنامه ایجاد میگردد ، وظیفه دارد تا سطح تهدیداتی را که متوجه افغانستان و نیز نیازمندی های امنیتی و دفاعی این کشور را ارزیابی نموده و به " کمیسیون دوجانبه " در مورد چگونگی همکاری های آینده سفارشات مشخصی را ارائه نماید.

ج- کمک به نیروهای امنیتی ملی افغانستان باید طوری ارائه گردد که با معیارهای ناتو سازگاری داشته و اصل " قابلیت تعامل پذیری با نیروهای ناتو " را تقویت کند.

د- طرفین همچنان از کشورهای عضو ناتو میخواهند تا با اتخاذ اقدامات عملی برای تطبیق " اعلامیه همکاری های دراز مدت بین ناتو و دولت جمهوری اسلامی افغانستان " منعقده نومبر سال ۲۰۱۰ (عقرب سال ۱۳۸۹) نشست ناتو در لیسبن ، توانائی های امنیتی افغانستان را پس ازسال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) تداوم و بهبود بخشند.

۶- افغانستان به منظور مبارزه با القاعده ووابستگان آن ، آموزش نیروهای امنیتی ملی این کشور ، و اجرای سایر ماموریت هایی که برای تحکیم منافع مشترک امنیتی ازسوی طرفین تشخیص می گردند ، تداوم دسترسی قوای ایالات متحده به تاسیسات افغانستان و استفاده از آن تاسیسات را الی سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) میسر میسازد و پس از آن طوریکه در " موافقتنامه دوجانبه امنیتی " مورد توافق واقع شود ، عمل خواهد شد.

الف – ایالات متحده براحترام کامل خویش به حاکمیت ملی و استقلال افغانستان تاکید نموده و تعهدش به چارچوب روند انتقال و تحقق کامل انتقال مسوولیت های امنیتی به افغانستان را مجدداً تصریح میدارد . ایالات متحده یک بار دیگر تاکید میکند که در جستجوی ایجاد تاسیسات دایمی نظامی در افغانستان نبوده و در پی حضوری نیست که تهدیدی را متوجه همسایگان افغانستان بسازد.

ب- ایالات متحده تعهد مینماید که از سرزمین و یا تاسیسات افغانستان به عنوان نقطه آغاز حملات علیه کشورهای دیگر استفاده نمی کند.

ج- چگونگی و گستره حضور و اجراات قوای ایالات متحده در آینده درافغانستان ووجایب دوکشور دراین رابطه باید در" موافقتنامه دوجانبه امنیتی " مشخص گردند.

۷- طرفین تشریک اطلاعات و استخبارات را به هدف مقابله با تهدیدات مشترک به شمول تروریزم قاچاق مواد مخدر ، جرایم سازمان یافته و تطهیر پول ، افزایش می دهند.

۸- طرفین همچنان بر حمایت شان برای بهبود هماهنگی و همکاری های امنیتی منطقوی تاکید می ورزند . طرفین تصریح میکنند که تولید مواد مخدر ، قاچاق و استفاده غیر مجاز از آن تهدید بزرگی را متوجه امنیت و اقتصاد مشروع افغانستان ساخته و همچنان امنیت منطقه و سلامت جهان را به مخاطره می اندازد . هر دو طرف مصمم اند تا برای محو این تهدید ، با هم در افغانستان ، منطقه و یا کشورهای همسایه ، همکاری نمایند.

۹- بادرک اینکه ثبات افغانستان در ترقی و ثبات آسیای جنوبی و آسیای مرکزی نقش دارد ، ایالات متحده تاکید میکند که هرگونه تجاوز بیرونی علیه افغانستان را موجب نگرانی شدید خود می پندارد . درصورت وقوع چنین رویدادی ، طرفین باید هرچه عاجل در مشورت با هم ، پاسخ مناسبی را به شمول اقدامات سیاسی ، دیپلوماتیک ، اقتصادی و نظامی، به توافق هردو طرف و در مطابقت با احکام قوانین اساسی شان ، طرح و تطبیق کنند.

بخش چهارم:
تقویت امنیت و همکاری های منطقوی

۱-طرفین براهمیت روابط دوستانه و موثر میان افغانستان و همسایه گانش موافق بوده و تاکید میدارند که این روابط باید براساس احترام متقابل ، برابری و عدم مداخله درامور یکدیگر استوار باشد . هردو طرف از تمامی کشورها میخواهند تا به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان احترام گذاشته و از مداخله درامور داخلی و پروسه های دموکراتیک افغانستان اجتناب ورزند.

۲- با درنظرداشت اهمیت همکاری های منطقوی جهت تحکیم امنیت درمنطقه ، طرفین با کشورهای منطقه ، سازمان های منطقوی ، ملل متحد و سایر نهادهای بین المللی در برابر تهدید های تشخیص شده ازسوی طرفین ، بشمول شبکه های تروریستی ، جرایم سازمان یافته ، قاچاق مواد مخدر ، و تطهیر پول همکاری جدی می کنند.

۳-طرفین به منظور تقویت ثبات و رفاه منطقوی و احیای نقش تاریخی افغانستان به حیث پل ارتباطی آسیای مرکزی ، جنوبی و شرق میانه به گونه آتی همکاری می نمایند:

الف – تقویت بیشتر ابتکارات کنونی و بعدی درمنطقه ا زقبیل موافقتنامه های تجارت و ترانزیت وایجاد سهولت در تطبیق آنها .

ب- تقویت هماهنگی و مدیریت سرحدات میان افغانستان و همسایه گانش .

ج- توسعه ارتباطات ترانسپورتی ، ترانزیت و شبکه های انرژی درمنطقه از طریق تطبیق پروژه ها بشمول پروژه های زیر بنایی ، در سراسر افغانستان .

د- بسیج حمایت بین المللی برای جلب سرمایه گذاری های منطقوی که موجب همگرایی افغانستان با منطقه میگردد.

بخش پنجم:
انکشاف اقتصادی و اجتماعی

۱- طرفین موافق اند که انکشاف منابع بشری و طبیعی افغانستان برای ثبات منطقوی ، رشد اقتصاد پایدار و احیای افغانستان در پی بیش از سه دهه جنگ ، حیاتی است و نیز توافق دارند که افغانستان در سال های پس از " انتقال " همچنان نیازمندی های مالی مبرم ، خاص و مداوم خواهد داشت که عواید داخلی به تنهائی پاسخگوی آن نمی باشد در این خصوص ، ایالات متحده بر تعهدش در کنفرانس ۲۰۱۱ (۱۳۹۰) بن مبنی براینکه

ص۵ ⇦

موافقتنامهٔ همکاری های درازمدت ستراتیژیک...

کمک های مالی اش در راستای انکشاف اقتصادی و کمک در رفع کمبودبودجوی افغانستان ، در مطابقت با پروسه کابل به هدف حفظ دست آوردهای یک دهه گذشته ، تامین غیر قابل برگشت روند انتقال و خود کفائی افغانستان به کاررود ، مجدداً" تاکید میکند.

۲–دربعداقتصادی :

الف- طرفین به مساعی خود جهت تحکیم و توسعه اقتصاد بازار و همکاری های درازمدت به هدف رشد مداوم اقتصادافغانستان در روشنی قانون اساسی وواقعیت های تاریخی و اجتماعی افغانستان ، ادامه می دهند.

ب- با توجه به اولویت های افغانستان ، ایالات متحده در تقویت بنیاد اقتصادی ، حمایت ازانکشاف پایدار وخود کفایی افغانستان مخصوصاً" در ساحات تولیدات مشروع زراعتی ، ایجاد زیربنا در بخش های ترانسپورت ، تجارت ، ترانزیت ، آب و انرژی ، تقویت مدیریت مسوولانه منابع طبیعی و ایجاد نظام نیرومند مالی که برای تداوم سرمایه گذاری خصوصی لازم میباشد ، کمک می کند.

ج- به هدف تشویق تجارت و انکشاف سکتور خصوصی ، طرفین دراستفاده روز افزون ازسند موسوم به " سیستم عمومی ترجیحات " مشترکاً" تلاش میکنند . علاوتاً" به منظور تشویق سرمایه گذاری ، ایالات متحده مصمم است که اداره سرمایه گذاری های خصوصی در خارج ، بانک صادرات و واردات ایالات متحده و اداره تجارت و توسعه ایالات متحده را بسیج نموده ، تا فعالیت های سکتورخصوصی ایالات متحده در افغانستان را حمایت و تشویق نمایند افغانستان نیز از طریق نهادهای مربوطه ، از توسعه سکتور خصوصی خویش حمایت میکند.

د–طرفین برآرزوی شان تصریح میدارند که مردم افغانستان باید مستفید شونده اصلی منفعت های منابع طبیعی کشور شان باشند . ایالات متحده از تلاش های افغانستان درجهت مدیریت ثروت منابع طبیعی از طریق ایجاد یک چارچوب پاسخگو، موثر ، کارا و شفاف با استفاده از بهترین روش های بین المللی و تقویت این روشها ، حمایت میکند.

۳–دربعداجتماعی :طرفین تلاش های مداوم را مشترکاً جهت کمک به ارتقای ظرفیت بشری افغانستان با استفاده از اقدامات زیر انجام می دهند:

الف – دسترسی و ارتقای کیفیت تعلیم و تربیه ، به شمول تحصیلات عالی و آموزشهای مسلکی برای تمامی افغانها در بخش های کلیدی .

ب – دسترسی به خدمات اساسی صحی و مراقبت های تخصصی (بشمول دستیابی زنان و اطفال به این خدمات)

۴- طرفین براهمیت حیاتی مبارزه با فساد اداری تاکید مینمایند:

الف – طرفین در برابر تمامی انواع و اشکال فساد اداری قاطعانه مبارزه میکنند.

ب- طرفین میکانیزم هایی را جهت ارتقای موثریت کمک ها ایجاد نموده و با اتخاذ شیوه های بهتر تدارکات ، شفافیت و حسابدهی ، از فساد اداری جلوگیری میکنند.

ج- افغانستان نهاد های مبارزه با فساد را تقویت بخشیده و قوانین مربوط را به اساس ضرورت در مطابقت با مکلفیت های ملی و بین المللی اش ، بازنگری و تطبیق میکند.

د- افغانستان سیستم مالی خود را با تطبیق سفارشات گروه کاری اجراات مالی آسیا پسیفیک در خصوص مبارزه با تطهیر پول و تمویل تروریزم ، محافظت و تحکیم می بخشد.

۵- ایالات متحده و افغانستان به همکاری های شان به منظور انکشاف افغانستان به شمول ارائه کمک سالانه اقتصادی و اجتماعی از جانب ایالات متحده به افغانستان ، متناسب با اهمیت استراتیژیک همکاری میان دوکشور ، ادامه می دهند.

الف- برای رسیدن به این هدف ، ایالات متحده سالانه منابع مالی را جهت ارائه مساعدت اقتصادی و اجتماعی به افغانستان ، تقاضا می نماید . ایالات متحده همچنان از تلاش های افغانستان برای جلب و تشویق سرمایه گذاری بین المللی و حمایت از سکتور خصوصی افغانستان که برای تحقق یک افغانستان و منطقه ی امن ، مرفه و صلح مند حیاتی است ، حمایت میکند.

ب- با تاکید برتعهداتش در کنفرانس های سال ۲۰۱۰ درکابل و لندن (کنفرانس لندن در سال ۱۳۸۸ و کنفرانس کابل در سال ۱۳۸۹) ،(پس از این کنفرانس ها) ایالات متحده یکبار دیگر برتعهد خویش تاکید میکند که حداقل ۵۰ درصد کمک های اقتصادی و اجتماعی خود به افغانستان را ازطریق میکانیزم های بودجوی حکومت افغانستان به مصرف برساند . طرفین این تعهد را از طریق کمیسیون دوجانبه افغانستان – ایالات متحده که براساس این موافقتنامه تشکیل میگردد ، در اوقات معین مورد بازنگری قرار می دهند تا به این ترتیب فیصدی کمک هایی که ازطریق میکانیزم های بودجوی حکومت افغانستان پس ازسال ۲۰۱۲ (سال ۱۳۹۱) به مصرف میرسد ، افزایش یابد.

ج–ایالات متحده برتعهد خویش درکنفرانس سال ۲۰۱۰ (سال ۱۳۸۹) کابل مجدداً تاکید میدارد که کمک های انکشافی خود به افغانستان را همچنان همسو با برنامه های دارای اولویت ملی ، طبق توافق قبلی طرفین ، طوری تنظیم نماید که تا ختم سال ۲۰۱۲ (ماه جدی سال ۱۳۹۱) هشتاد در صد کمک های ایالات متحده در سازگاری با این برنامه ها به مصرف برسد . ایالات متحده موافق است تا آن مقدار از کمک های انکشافی اش را که در همنوائی با برنامه های دارای اولویت ملی افغانستان به مصرف نمیرسند بگونه شفاف به مصرف رسانده و در مصرف آن با دولت افغانستان مشورت کند.

د–این تعهدات وابسته به اقدام حکومت افغانستان درایجاد میکانیزم ها و پیشرفت ها در راستای تامین شفافیت و حسابدهی مالی ، افزایش در مصرف بودجه ، بهبود درجمع آوری عواید ، تقویت سیستم های مدیریت مالی عامه و سایر اقدامات دوجانبه میگردد که جهت ارزیابی اجراات و پیشرفت ها برآن از قبل توافق شده است . این اقدامات همچنان شامل تعهداتی میگردد که در " کنفرانس ها " روی آن توافق شده اند.

۶–طرفین روابط دیرینه بین مردمان و جوامع مدنی شان را با تلاش های گسترده ، به شمول تدویر برنامه ها برای جوانان و زنان ، و همکاری بین پوهنتون ها و نهادهای تحصیلات عالی ، تقویت می نمایند.

۷- ایالات متحده تبادلات و سایر فعالیت ها ، به شمول ارائه فرصت های آموزشی مانند پروگرام فلیرایت و برنامه آموزش مهارت های رهبری برای مهمانان بین المللی را توسعه و تقویت می نماید.

۸–طرفین همچنان درحمایت ازنهادهای فرهنگی و حفظ میراث فرهنگی افغانستان همکاری می نمایند.

بخش ششم
تقویت نهادهاوحکومتداری در افغانستان

۱- طرفین برای بهبود ظرفیت بشری درنهادهای مهم دولت افغانستان همکاری می نمایند . کمک ایالات متحده باید براساس اولویت های حکومت افغانستان و مبتنی برنیازهایی باشد که ازسوی طرفین مشترکاً شناسائی شده است.

۲- افغانستان امور حکومتداری را با بلند بردن میزان پاسخدهی و شفافیت درنهادهای سه گانه (اجرائیه ، مقننه و قضائیه) بهبود می بخشد، تا آنها بتوانند نیازمندی های مدنی و اقتصادی مردم را بهتر مرفوع بدارند . افغانستان همچنان طبق قوانین نافذ خود ، کفایت کاری و حسابدهی را درهمه سطوح حکومت تقویت نموده و اطمینان حاصل می نماید که این ادارات و نهادها براساس طرزالعمل های درست و عادلانه متناسب با معیارهای ملی ارائه حداقل خدمات و کارشان را انجام دهند.

۳–ایالات متحده در تقویت ظرفیت ، خودکفائی و افزایش موثریت نهادهای دولت افغانستان و توانمندی آنها در ارائه خدمات اساسی ، از حکومت افغانستان حمایت میکند.

۴- طرفین باهم مشترکاً کار می نمایند تا " ساختار های موازی " به شمول تیم های بازسازی ولایتی و تیم های موسوم به " باثبات سازی ولسوالی ها" طبق چارچوب پروسه انتقال از میان برداشته شوند.

بخش هفتم
تدابیر و میکانیزم های تطبیق موافقتنامه

۱–طرفین به منظور توسعه همکاری ها و نظارت برپیشرفت ها درتطبیق این موافقتنامه ، یک کمیسیون دوجانبه افغانستان – ایالات متحده و میکانیزم های لازم را ایجاد میکنند.

الف – کمیسیون از جانب وزرای خارجه هردو کشور و یا نماینده گان شان ، ریاست گردیده و جلسات آن هر شش ماه یک بار به صورت دورانی در کابل وواشنگتن دایر میگردد.

–مجمع های موجود دوجانبه ، مانندمجمع مشورتی امنیتی دوجانبه افغانستان – ایالات متحده ، باید در چارچوب این ساختار مدغم گردند.

ب- یک کمیته اجراییوی مشترک چگونگی کار گروپ های کاری دایمی کارشناسان را که برای تطبیق این موافقتنامه تشکیل میشوند ، رهبری کرده و درمورد به وزرا گزارش میدهد.

–این گروپ های کاری ازجانب وزرای مربوط یا نماینده گان شان ، ریاست گردیده و به عنوان مرجعی برای مشورت های منظم میان مقامات ارشد روی مسایل مشترک مورد علاقه مطرح عمل می کند. این مسایل برعلاوه موارد دیگر شامل : تامین امنیت درازمدت ، حمایت از توسعه اجتماعی ، اقتصادی و روند دیموکراسی ، و نیز تقویت نهادهای دولتی و حکومتداری در افغانستان میشوند.

ج- جلسات کمیته مشترک اجراییوی به منظور ارزیابی تهدیدات مشترک و گفتگو روی مسایل منطقوی مورد علاقه نیز به شکل منظم دایر میگردد.

۲- طرفین ازطریق کمیسیون دوجانبه ، سطح حمایت و کمک ها را مشترکاً تشخیص می نمایند.

۳- افغانستان و ایالات متحده میتوانند جهت تطبیق این موافقتنامه ، به تدابیر یا توافقات بیشتر در صورتی که لازم و مناسب پنداشته شود ، مطابق به قوانین و مقررات مربوطه دوکشور متوسل شوند.

بخش هشتم
احکام نهایی

۱–این موافقتنامه بعداز آن نافذ میگردد که طرفین از مجرای دیپلوماتیک درمورد تکمیل شرایط قانونی داخلی شان که به منظور انفاذ این موافقتنامه الزامی میباشد ، به یک دیگر اطلاع بدهند . این موافقتنامه الی ختم سال ۲۰۲۴ میلادی (سال ۱۴۰۳هجری شمسی) مدار اعتبار است . طرفین میتوانند با موافقت کتبی مشترک ، شش ماه قبل از تاریخ انقضا، این موافقتنامه را برای یک دوره ، دیگر طبق توافق قبلی تمدید نمایند . این موافقتنامه میتواند با موافقت کتبی هردو طرف در هر زمانی تعدیل یا فسخ گردد و هریک ازطرفین میتواند درمورد تصمیم اش برای فسخ این موافقتنامه یاد داشت کتبی ارایه نماید ، که در آن صورت این موافقتنامه برای مدت یک سال پس از ارایه این یاد داشت اعتبار دارد.

۲- تمامی اقداماتی که طبق مفاد این موافقتنامه اجرا میگردد باید در مطابقت با تعهدات ومکلفیت های بین المللی طرفین قرار داشته باشد . هرگونه همکاری طبق احکام این موافقتنامه تابع قوانین و مقررات دو طرف ،به شمول قوانین نافذه تخصیص بودجه ، میباشد.

۳- هرگونه منازعات ناشی از تطبیق این موافقتنامه ازطریق مشورت های دیپلوماتیک میان طرفین حل و فصل می گردد.

این موافقتنامه ازجانب روسای ، جمهوری اسلامی افغانستان وایالات متحده امریکا به تاریخ دوم ماه می سال ۲۰۱۲ و۱۳ ماه ثور سال ۱۳۹۱ درشهر(کابل) درسه نسخه به زبانهای دری ، پشتو و انگلیسی ،که هرسه دارای اعتبار مساوی میباشند ، امضا گردید.

از جانب دولت جمهوری اسلامی افغانستان

(حامد کرزی)

از جانب دولت ایالات متحدهٔ امریکا

(بارک اوباما)

بیستمین سالگرد پیروزی جهاد

(۸ ثور ۱۳۷۱–۸ ثور ۱۳۹۱)

ف – فاضل

هشت ثور خاطرهٔ جانبازی و فداکاری میلیون ها انسان آزاده ایست که به خاطر آزادی کشور از تسلط بیگانه، بیش ازیک دهه، با مبارزه و فداکاری کم نظیر شان، یک امپراطوری تا دندان مسلح را شکست دادند.

هشت ثور خاطرهٔ آوارگان هدفمندی است که سال ها به خاطر نجات کشورشان، گرمی های سوزان و سردی های طاقت فرسای کشورهای همسایه و محرومیت های بی پایان سرزمین های هجرت را متحمل گردیدند.

هشت ثور، یادگار ارزشمند یک و نیم میلیون افغان شهید است که به خاطر آزادی و آبادی افغانستان، با قامت افراخته، شهادت را استقبال کردند و مرگ سرخ را بر اسارت برگزیدند.

ما از هشت ثور به خاطری تجلیل و بزرگداشت به عمل می آوریم که پیش منظر و پس منظر آن با افکار و اندیشه های نسل حاضر عمیقاً گره خورده است.

ما گمان داشتیم که هشت ثور، آغاز پایان همه رنج ها و دردها و نابرابری ها و آغاز یک زندگی آبرومندانه، عادلانه و برادرانه و به دور از هر نوع جنگ و خونریزی خواهد شد اما با تا سف که چنین نشد و ملت کبیر ما جرعه ای از شربت شیرین پیروزی ننوشید و خرسندی اش طول نکشید و آنچه را سال ها انتظارش را داشت و فضای ایده الی را به گونه ای که در پردهٔ خیال، تصویرش را کشیده بود، نیافت.

هشت ثورکه بایست آغاز شگوفایی افغانستان عزیز می بود، فاجعهٔ دیگر شد.

بیگانگان، دشمن استقرار، استقلال و ترقی افغانستان که به شهامت و دلیری ملت ما حسد می ورزیدند، و تحمل دیدار قامت رسا و گردن افراشته افغان های دلاور ما را نداشتند، به خاطر شکستن غرور افغان های فاتح و سربلند، با مکاری های فراوان، ملت ما را نگذاشتند ثمرهٔ فداکاری های چهارده سالهٔ خویش را بچشد.

راکت پرانی های وحشتناک، قطع برق کابل، به آتش کشیدن موٌسسات انتفاعی، چپاول ثروت های ملی مردمی، فروختن اسلحهٔ ثقیله به دشمنان تاریخی افغانستان، برنامه های از قبل پلان شده ای بود که عظمت «هشت ثور»را برهم زد.

کشتن مردم به دلایل واهی و بی اساس، جلوگیری از استقرار یک حکومت اسلامی و معتدل در کشور و در انزوا قراردادن افغانستان از خانوادهٔ بزرگ بشری و دشمنی با صلح و آرامش، جرم های نابخشودنی اند که بعد از بامداد پیروزی، سایهٔ نحس آن، کابل زیبا و افغانستان قهرمان را فراگرفت.

علی الرغم این حرف ها از هشت ثور، به مثابهٔ سالروز پیروزی جهاد، تجلیل و بزرگداشت به عمل می آوریم، آنهم به خاطر اینکه هشت ثور ثمرهٔ مبارزهٔ خستگی ناپذیر یک نسل ذلت نپسند و تسلیم نپذیر و مستقل اندیش است که سخاوتمندانه در راه این پیروزی عظیم، سرداده اند.

به خاطر اینکه هشت ثور، پیامد و بازده آوارگی های نسلی است که تحصیل، جوانی و همه دار و ندارشان را به خاطر چنین روزی فدا کاری کردند، ما با تداعی این خاطرات غرور آفرین و به آرزوی پیروزی عظیم دیگر و با آموختن از گذشته، از بارگاه الهی استدعا داریم که لطف عمیمش را شامل حال خانواده های همهٔ شهیدان عزیز میهن گردانیده و همه آنانی را که با اعمال ناروا، رسوا و بی دردانهٔ شان، عظمت ملت افغان و پیروزی آنان را به خاک ذلت مالیدند، رسوا سازد.

بادرنظرداشت این همه فداکاری ها و محرومیت ها و مبارزات ملت استوار قامت افغان، هشت ثورکه تداعی گر این همه خاطرات است، به ملت سربلند افغانستان، مبارک باد!

سنگ های افغانستان شکم خرس روسی را هدف می گیرد

کودتای کمونیستی ۷ ثور و جنگ های ویرانگر شوروی

نویسنده دکتور محمد مورو دانشمند مصری / برگردان عبدالوهاب هاید عمار

امپراتـور جهـانخوار روس چـه تحـت حاکمیـت قیصـرها و چـه زیـر سـلطنت کمـونیزم در بعـد هـا، همـواره ضـرورت تسـلط بـر افغانسـتان را در جـدول فهرست برنامـه هـایش جـا داده بـود، تـاریخ روابـط میـان ایـن دوکشـور بـه طـور یکسـان شـاهد شـمار زیـادی از اصـطکاک هـا و معاهـدات دوسـتی بـوده اسـت، طبعـاً ایـن معاهـدات درلابـلای خـود هـدف نفوذ[شوروی برافغانستان] را نیز داشت!

در گذشـته و اکنـون [زمـان مداخلـهٔ شـوروی بـه افغانسـتان] اهمیـت تسـلط بـر افغانسـتان بـرای شوروی وقـت بـه همـان رؤیـای سـابق رسـیدن بـه آبهـای گـرم در خلـیج عـرب و فـارس و هنـد برمـی‌گـردد، رؤیـایی کـه بـه نـام رؤیـای ملکـه"کـاترین" یکـی از قیصـرهای روسـی یـاد می‌شود. رسیدن بـه ایـن هـدف بـرای روس زمینـه ساز فعالیت‌هـای بحـری همیشـگی بـود، چـون در بخـش بـزرگ از قلمروهـای بحـری روس، در طـول سال تـا مـدت هـای زیـادی آب خشـک مـی باشـد، چیـزی کـه باعـث مـی‌شـود بنـدرهای آبـی روسـیه خشـک شـود، بـه همـین دلیـل اسـت کـه رؤیـای ملکه کـاترین بـه نـام رؤیـای رسـیدن بـه آب‌هـای گـرم مسـمی شـده اسـت، یعنـی رسـیدن بـه آب هایی که مـی تـوان در آن تمـام مـاه سـال، کشـتی رانی کرد.

بعـد از انقـلاب بلشـویکی در سـال ۱۹۱۷ و پدیدارشـدن اتحـاد جماهیرشـوروی سـابق، حاکمـان کمونیسـتی آرزوی رسـیدن بـه ایـن رؤیـا را تـداوم بخشـیدند، بـه ویـژه بعـد از آن‌کـه اتحـاد جمـاهیر شـوروی وقـت بـه یـک نیـروی بـزرگ سیاسـی، نظـامی، اقتصـادی و ایـدیولوژیکی تبـدیل شـد، گذشـته ازیـن، دیـدگاه دیگـری کـه وجـود داشـت این بـود کـه، افغانسـتان گـذرگاهی خواهـد بـود بـه منـابع نفـت و پطـرول، و ایـن موضـوع بـه عنـوان یـک هـدف در امـر رویـارویی و رقابـت کشـورهای بلـوک شـرق و غـرب بـه یـک کـالای مهـم و اسـتراتیژی تبـدیل شـده بـود، چنانچـه نظـام کمونیسـتی در اتحـاد جمـاهیر شـوروی وقـت تـازه پنج جمهوریـت مسـلمان‌نشـین را زیـر سـلطهٔ خـود درآورده بـود و مـی‌خواسـت مطمـئن شـود کـه فرهنـگ اسـلامی از طریـق مرزهـای افغانسـتان وارد این جمهوریـت هـا نمـی‌شـود، ایـن امـر باعـث نگرانـی و اضـطراب شـدید شـوروی وقـت بـود، بـدین گونـه افغانسـتان در اواخـر دهـهٔ هفتـاد بـرای اتحـاد جمـاهیر شـوروی هـدف بزرگـی بـود و شوروی هم برای تحقق بخشـیدن ایـن رؤیـا کـه از دیر زمانی در تخـیلش مـی‌گشـت، کـارش را شـروع کرد.

حمایـت و تشـکیل احـزاب کمونیسـتی در داخـل افغانسـتان برنامـهٔ راهبـردی روس‌هـا دریـن کشـور بـود، احزابـی‌کـه کارشـان یکجـا کـردن افغانستان با اتحاد شوروی وقـت بـود، بـه ایـن معنـا کـه ایـن کـار در ظـاهر توسـط افغـان هـا و بـه درخواست خـود افغـان هـا انجـام شـود بـدون ایـن که دریـن مـورد از طـرف افغـان‌هـا کـدام مخـالفتی صورت بگیـرد، بـه همـین ترتیـب شـوروی از دهـهٔ چهـل بـه حمایـت حـزب کمونیسـتی در افغانسـتان پرداخـت چنانچـه ایـن حـزب بعـدها بـه دوشـاخهٔ خلـق و بـرچم تقسـیم شـد و هردوتـای ایـن شـاخه هـا از حمایـت کامـل و مسـتقیم شـوروی برخـوردار بودنـد، از طـرف دیگـر، شـوروی در ایجـاد درز و چنـد پـارچگی میـان ارتـش افغانسـتان در زمـان محمد داوود خـان، از طریـق بـورس هـای آموزشـی نظـامی بـرای ضـابطان افغـان در اتحـاد جمـاهیر شوروی وقت کاملا موفق شده بود.

با فـرا رسـیدن سـال ۱۹۷۸م، شـوروی فرصـت را بـرای کودتـای کمونیسـتی در افغانسـتان مطلـوب و میسـریافت، کودتـایی کـه هـدفش برپـایی یـک حکومـت کمونیسـتی و سـپس ادغـام آن بـه اتحـاد جماهیرشوروی وقت بـود، تـا بـدین‌گونـه بـه جهانیـان نشان بدهد کـه شـوروی متجـاوز و اشـغالگر نیسـت و هنوزهم دستش پاک اسـت و بـه هـیچ جنـایتی آلـوده نیست و امیدوار بودند که میـوهٔ ایـن نیرنـگ بـه دهـن شـان افتـد. چنانچـه مـأموران وابسـته بـه اتحـاد شـوروی در داخـل ارتـش افغانسـتان بـه رهبـری نورمحمـد ترکـی عمـلا دسـت بـه کودتـای نظـامی علیـه محمـد داوود خـان زدنـد، ولـی ایـن کودتـا از طرف ارتش و ملـت افغانسـتان بـه مقاومـت شـدیدی مواجـه شـد، دریـن کودتـا هـزاران تـن از مـردم [بـه جرم مسـلمان بـودن] کشـته و بـه دار آویختـه شـدند، و شـوروی هـم بـه سـازماندهی کودتـای ۳۰ اپریـل ۱۹۷۸م، اعتراف کرد.

ملت مسـلمان افغانسـتان بعـد از کودتـای ننگـین هفتم ثـور خـود را زیـر سـلطهٔ کمونیسـت هـا یافـت، آنچه که طبیعی و مسلم بـود ایـن کـه، شـوروی تمـام حرکـت و رفتـار مـردم مسـلمان افغانسـتان را بعـد از کودتـا، دزدکـی تـربص مـی‌کـرد و رفتـه رفتـه سرنوشـت افغانسـتان هـم ماننـد سـایر جمهوریـت های مسلمان نشـینی مـی‌بـود کـه تـازه توسـط شـور وی اشـغال شـده بـود و [ملـت‌هـای مسـلمان آن] از ننـگ اسـارت، قهـر اسـتبداد و نـابودی عقیـده و فـرهنگش سـخت رنـج مـی‌برنـد، ملـت مسـلمان افغانسـتان تصـمیم گرفـت از همـین آغـاز پـیش از آن‌کـه شـوروی هـا در تحقـق اهـداف شـان در افغانستان پیروز شـوند، چـاره سـنجی کننـد، نهضـت اسـلامی در افغانسـتان بـرای رهبـری مـردم مسـلمان ایـن کشـور حماسـه هـای زیـادی را از قبیـل: تحمـل شـکنجه در بیغولـه هـای زنـدان رژیـم، هجـرت و جهاد مسلحانه و غیرمسلحانه آفرید.

هـمزمـان بـا بـالا گـرفتن و افـزایش مقاومـت مردمـی علیـه رژیـم و بیـزاری از عُمّـالِ شـوروی، در درون [خـود] عناصـر دسـت نشـانده تهمـت و برچسـب‌هـا علیـه یکدیگرشـان شـروع شـد، آنـان هریک، دیگری را متهم مـی‌کردنـد کـه مسـؤول ایـن گسسـت و از هـم پاشـیدگی تـو هسـتی، حفـیظ الله امـین معـاون نخسـت وزیـر رژیـم کمونیسـتی علیـه نورمحمـد ترکـی در ۱۴ سـپتمبر۱۹۷۹م، کودتـا کـرد و او را به قتل رساند نتیجـه همـین بودکـه حفـیظ الله امـین، بـه عنـوان رئـیس جمهـور دسـت نشـاندهٔ شـوروی بـرای افغانسـتان تعیـن شـد، مگـر مقاومـت اسلامی و مردمی علیـه رژیـم کمونیسـتی بـا گذشـت هر روز در حال افـزایش بـود و سـلطهٔ کمونیسـت هـا را در برخـی از شـهرها محـدود کردنـد ولـی حومـه هـای شـهر و منـاطق کوهسـتانی همـه زیرتسـلط مجاهدان راه حق درآمد.

دریـن مرحلـه رهبـران اتحـاد شـوروی دریافتنـد کـه حـزب دسـت نشـانده وکمونیسـتی شـان در افغانستان بـا رهبـران شـان قـادر برکنتـرول اوضـاع و عملـی نمـودن هـدف و پـروژهٔ مـورد نظـر در افغانسـتان نیسـتند بنـاءً تصـمیم مداخلـهٔ مسـتقیم و آشـکار نظـامی را گرفتنـد، شـوروی عمـلا نیروهـایش را بـه سـمت افغانسـتان حرکـت داد، و زمـانی‌کـه حفـیظ الله امـین ازیـن امرآگـاه شـد از شـوروی درخواسـت نمـود کـه مسـتقیما بـه افغانسـتان مداخلـهٔ نظـامی نکنـد، چـون ایـن کـار باعـث شـکل گیـری موج‌هـای توفنـدهٔ خیـزش هـای مردمـی خواهـد شـد کـه سـربازان ارتـش شـوروی هرگـز توانـایی مهـارکردن ایـن مـوج خطرنـاک را نخواهنـد داشـت، مگـر شـوروی ایـن نصـیحت امـین را نـه پـذیرفت و ببـرک کارمـل را از تبعیـد فراخوانـد و ارتـش شـوروی در داخـل افغانسـتان، حفـیظ الله امـین را سـرنگون سـاخت. و ببـرک کارمـل آشـکارا و بـرملا پیشـاپیش ارتش شـوری بـه قـدرت رسـید، تـا سـرحدی‌کـه او از طریـق رادیـو تاشـکند بـه مـردم افغانسـتان بیانیـهٔ ایراد کرد، نه از طریـق رادیـو کابـل، در نفـس وقـت نیروهـای شـوروی از زمـین و هـوا وارد افغانسـتان مـی‌شـدند ایـن کـار در۲۷ دسـمبر۱۹۷۹م، صـورت گرفت.

بدون شـک ببـرک کارمـل در دسـت روس هـا عروسکی بیش نبود بنـاءً هـیچ چـاره یـی جـز صـحه گـذاری و اجـرای فرمـان و عملـی سـاختن برنامـه های شوروی که از قبل طـرح شـده بـود را نداشـت، بدین گونـه نخسـتین تصـمیمی کـه کارمـل گرفـت فراخوانی نیـرو هـای مسـلح شـوروی بـه افغانسـتان بود، اما [چه این که کارمل فـرا مـی خوانـد یـا نمـی خوانـد] ارتـش شـوروی عمـلاً وارد افغانسـتان شـده بـود، ایـن سـناریو انگیـزهٔ تـازه یـی بـود تـا ملـت مسـلمان افغانسـتان پیرامـون حرکـت‌هـا و تنظـیم‌هـای جهـاد اسـلامی هرچـه بیشـتر جمـع، بسـیج و فشـرده شـوند و علیـه رژیـم کارمـل کـه درست مانند یـک گُـدی توسـط روس هـا هرطـرف چرخانده می‌شـد، قیـام کننـد، دریـن مرحلـه طبیعـی بـود کـه مقاومـت مردمـی علیـه ارتـش شـوروی و نظـام کمونیسـتی درکابـل بیشـتر و بیشـتر گـردد و همچنـان سـرکوبگری، اسـتبداد و شـکنجهٔ مـردم بـی‌گنـاه و مسـلمان افغانسـتان نسـبت بـه گذشـته افزایش می‌یافت ولی تمـام ایـن سـرکوبگری هـا در وجـود ملـت مسـلمان افغانسـتان بـه جـز مقاومـت و حماسه هیچ تأثیری نداشت.

***

قـدرت هـا و نظـام‌هـای کمونیسـتی درکابـل در تمام دوره های خـود و هـم‌چنـان ارتـش شـوروی و دسـتگاه اسـتخباراتی آن سیاسـت سـرکوبگری فراگیـر را علیـه ملـت مسـلمان افغانسـتان بـه کـار بسـت، از تخریـب کامـل دهکـده هـا، از بمباردمـا ن هوایی توسط طیاره هـا بـه هـدف انتقـام از عبـور و مـرور مجاهـدین از دهکـده هـا و یـاهم پنـاه بـردن شـان بـه آن، دریـغ نورزیـد، حتـا ایـن بمباردمـان و تخریب ها بسا اوقات بـدون انـدک تـرین بهانـه یـی هـم صـورت مـی‌گرفـت، افغانسـتان در خـلال حاکمیت نظـام هـای کمونیسـتی سـیل خروشـانی از کشـتارها، بازداشـت‌هـا، تعقیـب‌هـا و هجـرت هـا و آوارگـی هـا بـود، تعـداد کسـانی کـه از دسـت حاکمیـت کمونیسـت هـا در افغانسـتان فـرار نمـوده راه هجرت را در پـیش گرفتنـد بـه حـدود ۵ میلیـون می رسد، از طـرف دیگـر نظـام حـاکم کمونیسـتی از طریـق تغییـر در نصـاب تعلیمـی بـه هـدف از بـین بردن تعلیمـات دینـی در مکاتـب، مـدارس و مسـاجد تـلاش نمـود. منـابع اسـلامی را [بـه گمـان خـود] خشک سازد، بـل ده هـا هـزار تـن از کودکـان و نـو جوانان را اختطـاف نمـوده بـه جهـت شسـت و شـوی مغـزی طبـق ایـدیولوژی کمونیسـتی و دورکـردن آنان از تمام ویژگـی هـا و خصـایص تمـدن اسـلامی به اتحاد جمـاهیر شـوروی وقـت فرسـتادند، چنانچـه دستگاه معروف استخباراتی افغـانی بـه نـام"خـاد" و دسـتگاه معـروف اسـتخبارات شـوروی بـه نـام "کاجی.بی" در ایجـاد درگیـری میـان گـروه هـای جهـادی، تـرور فرمانـدهان و سـرمایه گـذاری روی برخی از رؤسای قبایل، نقـش بزرگـی بـازی کردنـد، آنـان حتـا در داخـل کمـپ هـای مهـاجرین در پاکستان، حکومت آن کشـور را تحریـک مـی‌کردنـد تـا از حمایـت مجاهـدین دسـت بکشـد، ولـی تمـام این تـلاش هـا سـمت وزش بـاد مـرام را بـه سـوی پختگی عقیـده ی مـردم مسـلمان افغانسـتان بـرد و انگیزه یی شد بـرای تـداوم جهـاد و افـزایش صـبر و شکیبایی شان.

***

ببرک تلاش نمـود کـه در راهبـرد خـود انـدکی از سـرکوبگری بـه هـدف اسـتفاده از اسـتراتیژی نیرنـگ و فریـب، بکاهـد، [بنـاء] در ظـاهر [مقـداری از شـکنجه و سـرکوب دسـت کشـید] بعـد از او نجیـب هـم تدین و احتـرام بـه ارزش هـای دینـی را تظاهر مـی‌کـرد، مگـر ایـن برهـه درنفـس خـود، شـاهد بـالاگرفتن رویـارویی‌هـای خطرنـاک میـان مجاهـدین و ارتـش شوروی بـا عُمّـال داخلـی شـان علیـه مجاهـدین بـود، در حـالی‌کـه نیـروی شـوروی در افغانسـتان در سـال ۱۹۸۲م، حـدود ۸۵ هـزار تـن سـرباز بـود، ۱۱۵ هـزار تـن سـرباز دیگـردر سـال ۱۹۸۵ م، بـراین تعـداد افـزوده شـد، البتـه ارتـش شـوروی هنـوزهم در قبـال مـردم مسـلمان افغانستان شیوهٔ سـرکوبگری، قتـل عـام، و نـابودی زراعـت و از بـین بـردن تأسیسـات و زیربناهـای اقتصـادی در پیش داشت، تـا بـه ایـن ترتیـب ملـت مسـلمان افغانسـتان ایدیولوژی کمونیسـتی شـوروی را بپـذیرد، ولـی تمـام کـار روایی های آنان نـه تنهـا هـیچ سـودی بـرای شـان نکـرد بـل مقاومـت و ایسـتادگی مجاهـدین و ملـت افغانسـتان را در برابراشغال کمونیستی افزایش داد.

همزمان بـا بـالاگرفتن بسـیج مجاهـدین افغـان علیـه اشـغال و افـزایش تلفـات و وارد آمـدن خسـارات سـنگین پی درپی به دنبـال ایـن جنـگ بـر اقتصـاد اتحـاد جمـاهیر شوروی وقت و انگیزه یـی کـه جهـاد افغانسـتان در داخـل جمهوریت های مسلمان زیـر سـلطهٔ شـوروی ایجـاد نمـود و همچنـان بـا افـزایش میـزان نـاتوانی ارتـش شـوروی بـا عمال افغـانی اش در برانـدازی مجاهـدین افغـان بـا وجـود بکار بستن تمام ابزار هـای پـیش رفتـهٔ جنگـی، تمـام ایـن ها طبیعـی بـود کـه لرزشـی را درکیـان نظـام شـوروی بـه وجـود بیـارد، و مجبـور شـود تـا اشـتباهات غلـط و محاسـبات بـی جـای خـود را خـودش تحلیـل و تجزیـه و شـمار کنـد. شـوروی از خـلال تحلیـل و تجزیـهٔ اشـتباهاتش در افغانسـتان مجبـور شـد، نـه تنهـا در سـطح جنـگ افغانسـتان بـل درتمـام سـطوح بـه سیاسـت گلاسنوسـت و پروسـتریکا پنـاه بـرد، پدیـده یـی کـه در فرجـام بـه سـقوط و نـابودی کمـونیزم و فروپاشـی اتحـاد جمـاهیر شـوروی انجامیـد. در چـارچوب ایـن دیـدگاه، شـوروی تصـمیم گرفـت تـا چهـرهٔ رژیـم دسـت نشـانده درکابـل را از طریـق تبـدیل نمـودن ببـرک کارمـل بـا نجیـب در مـی۱۹۸۶م، تغییـر و تحـولی را ایجـاد کنـد، همزمـان بـا عملـی شـدن ایـن دگرگـونی، سـران شـوروی شروع کردند بـه سـردادن بیانیـه هـایی مبنـی بـر خـروج شوروی از افغانستان و حل سیاسی قضیهٔ این کشور.

بدینگونـه از آغـاز سـال ۱۹۸۶م، وضـعیت در افغانستان از مرحلهٔ جنگ نظـامی کـه اصـلا امکـان پـذیر نبود بـه حـل سیاسـی نـزول پیـداکرد، و نجیـب بیـرق راه حل سیاسی را بلنـد نمـود و طـرح راه حـل سیاسـی را بـه مجاهدین پیشنهاد کرد کـه از طـرف تمـام مجاهـدین بـه اتفـاق رد شـد، چـون در آن زمـان تفنـگ، یگانـه راه گرفتن حق از دشمن بود.

بـالآخره کـار بـه خـروج بعـد از شکسـت شـوروی از افغانسـتان در فبـروری۱۹۸۹م، انجامیـد ولـی حمایـت اقتصـادی، نظـامی و اسـتخباراتی مسـکو از رژیـم نجیـب هنـوزهم بـه قـوت خـود بـاقی بـود، بعـد از شکسـت شـوروی در افغانسـتان، نجیـب توانسـت کـه سـه سـال دیگـر درکـاخ ریاسـت جمهـوری بـاقی بمانـد، ولـی او درحالی در پست ریاسـت جمهـوری نگهداشـته شـده بـود کـه فرصـت از دسـتش رفتـه و خـودش هـم درک کـرده بـود کـه نـابودی اش حتمـی اسـت و موضـوع کـاملا بسـتگی بـه وقـت و زمـان داشـت نـه بـه چیـز دیگـری، نجیـب در عـین زمـانی‌کـه رئـیس جمهـور رژیـم دسـت نشاندهٔ مسکو بـود، تـلاش نمـود، بعـد از فروپاشـی اتحـاد شوروی به امریکایی هـا پیشـنهاد دوسـتی کنـد، بنـاءً بـه امریکایی ها پیشنهاد نمـود کـه او را بـه خـاطر جلـوگیری از رسیدن اسلامگرا ها به کابـل حمایـت کننـد، بـه دلیـل این‌که، اسلامگرا هـا [بـه گفتـهٔ نجیـب] دشـمن مشـترک نجیـب و امریکـایی هاسـت، بـرای نجیـب فروگـزاری اندیشهٔ کمونیسـتی اش کـه عمـری در سـایهٔ آن پـرورش یافتـه و زنـدگی کـرده بـود، بـه خـاطر پیوسـتن و بسـتن پیمـان دوسـتی بـا نظـام سـرمایه داری امریکـایی، هـیچ اهمیتی نداشـت، مجاهـدین خطـر ایـن تاکتیـک جدیـد را که نجیب مطرح کـرده و شـاید هـم امریکـایی هـا از بـیم اسـلامگراها آن را بپـذیرد، درک کردنـد، بدینگونـه مجاهـدین تصـمیم گرفتنـد تـا تمـام راه هـا را بـه روی نجیـب و امریکـایی هـا ببندنـد و تمـام فشـار نظـامی و جهـادی شـان را بـر دشـمن وارد سـازند، تـا اینکـه در نتیجـه بـه آزادی تمـام افغانسـتان و فروپاشـی نظـام کمونیسـتی درکابـل انجامیـد و مجاهـدین وارد کابـل شـدند و دولـت اسـلامی را در افغانسـتان در ۲۶ اپریل۱۹۹۲ م، اعلان نمودند.

یادِ آندم که صبا در رهٔ ما گُل می ریخت

عبدالقیوم ملکزاد

میلاد پرمیمنت وارستگی و رویش بهار شگوفه بار فتح مبین، خطاب به خود و همسنگران فاتح و سرفراز خویش و وارثان واقعی انقلاب اسلامی- انقلابی که پوز یکی از بزرگترین قدرت های خدا نا شناس گیتی را به زمین ذلت مالید- زمزمه های دلنشینی، بدین نحو نذر لب داشتند:

"ای جبههٔ حیرت زده محو چه خیالی
با کعبه مقابل شده ای سجده ادا کن
تا بررخ خورشید توان چشم کشودن
چون شبنم اگرآیینه ای هست جلاکن
گرم است هوای طرب از جوش سعادت
گرمروحه سامان کنی از بال هما کن
ای شوق تو شکرانهٔ این دولت جاوید
درکف همه گرجان گرامیست فدا کن...!

این دگرگونی شکوهمند و بزرگ، جهان بشریت، خاصه دنیای غیر اسلام را حیرت زده ساخت، جهانی که در مخیله و باورش نمی گنجید، ملتی کوچک اما باورمند به حقانیت خدای یکتا بتواند قدرتی بزرگ را به زانو درآورد و شعار«خون بر شمشیر پیروزاست» را، متحقق بگرداند. در حالی که این نصرت مولود وعدهٔ برحقی بود که خدا بر بندگان اخلاصمندش ارزانی داشته که " فئه قلیل" یعنی جماعه ای اندک و تهیدست- اگر به خاطر برتری نام مقدس او به مبارزه و نبرد پردازند- می توانند در برابر نیرویی بزرگ و تا دندان مسلحی چون ارتش سرخ و اتحاد جماهیر شوروی (سابق)، ایستادگی کنند و سرانجام او را به هزیمت شرمبار وادارند.

" شبگیرپولادیان" را، در رابطه با این موضوع چه تعبیرزیبایی است که در قالب سروده ای به اسلوب نو ارائه شده:

" به پهنای زمان بُد
سالها این داستان جاری
که دنیا شهرناپاکان بیشرم است
و برتخت بلند خوابگاه هاشان
هزاران اهرمن کردارپی آزرم می رقصند
به کانون سیاه گورها
هرروزجشن مردگان برپاست

خود وجد و هیجان و سرود وصف ناپذیری را سردهند و حقانیت راه و ارادهٔ شان را به نمایش بگذارند و گلنغمه های جانبخش رهایی و نیکبختی را، تا گوش اسیران آن سوی مرزها و اسیران جهان (مردم آسیای میانه و اروپای شرقی و...) برسانند؛ ملت هایی که با الهام از خیزش های حماسه ساز و شورآفرین ملت مومن و سرافراز سرزمین ما، این درس را نیک فرا گرفته بودند که باید در برابر طاغوت ها برخاست و با زورگویان در افتاد، تا به آندمی که به نعمت عظمای رهیدگی و سربلندی دست یافت. گلنغمه های نوید بخش را اینگونه می شد به دفتر حافظه هایِ دراّک، ثبت کرد:

" منتظران بهار بوی شکفتن رسید
مژده به گلها برید، یار به گلشن رسید
لمعهٔ مهر ازل، بر در و دیوار تافت
جام تجلی به دست، نور ز ایمن رسید
نامه و پیغام را رسم تکلف نماند
فکرعبارت که راست معنی روشن رسید
زین چمنستان کنون، بستن مژگان خطاست
آیینه صیقل زتید دیده به دیدن رسید
"بیدل" از اسرار عشق، هیچکس آگاه نیست
گاه گذشتن گذشت، وقت رسیدن رسید ."

" اینک دریای آزادی در پیش روی ما می غرید و صدا مان می کرد تا دل به امواجش بسپاریم و همه باهم باور کنیم که بی "آزادی" زندگی، تنها "بودن"ی زشت و غمبار و شرم آور است. و" آزادی "را هیچ قدرتی – حتی اگرخوب ترین و پاکترین قدرتمندان و دولتمردان تاریخ هم باشند- هدیهٔ مان نمی کنند، چرا که دیگر همه می دانند " آزادی" دادنی نیست، گرفتنی است؛ پس بگیریمش."
(پ- خ)

در بحبوحهٔ این شور و شوق و تحول کم نظیر، آنچه بیشتر مایهٔ شگفت جهانیان گردید، این بود که سرافرازان آزادی جو و حماسه ساز ما، علیرغمِ رسم منفور و خون اندود و دلهره اندایی که کودتاگران نظام کمونستی، به آن باورمند بودند، در پی ابلاغ سرود گلبانگ نوید و نشر بهار تهنیت، حالی ساختند:

باز تقویم ورق خورد و به پیشانی آن
نقشی ازخون شهید است پدیدارامروز

نسخهٔ گردون بار دیگر از کهنگی ها ورق گشتاند و اینک باز خاطرهٔ شیرین کشوده شدن دروازهٔ بزرگی در اذهان شگفت که از آن سرافرازان بلند قامت ما فاتحانه، وارد شهرآزادی شدند؛ شهر حماسه های کم نظیر، شهری که بهشت آرزوی آدمیزادان است، و در زیباترین و بلند ترین جایگاه این شهر، سلطان باحشمت و بی بدیلی موسوم به " معجزه قرن"، در سریر افتخار تکیه زده بود و ناظر گلپاشی مرد و زن منسوب به خانوادهٔ جهاد و خانوادهٔ امت اسلامی، بر مقدم طلایه داران عزت و سرافرازی!

«یاد آن"دم" که صبا در رهٔ ما گل میریخت
بر سرما ز در و بام و هوا گل می ریخت
گیتی آن شب اگر ازشادی ما شاد نبود
راستی تا سحراز شاخه چرا گل می ریخت؟
شادی عشرت ما باغ گل افشان شده بود
که به پای تو و من ازهمه جا گل میریخت»

به همین نحو در هر قدمی، زمزمهٔ شور و شعفی به گوش می رسید و از هر زبانی طرفه آهنگ نشاط و سرود شوق بر می خاست و در هر نفسی شنیده می شد که "زبان های مشتاقان آزادی و عاشقان اسلام، به ساز تهنیت چنگ می زنند...!"

منادیان رسا قامت آزادی، ضمن ادای تبریک و تهنیت، از سرشوق، به پیشواز

که تا درسایه شب
سرود انقراض دوده ی خورشید برخوانند.
ولی دور از هیاهو،
در نهاگاه شکفتن ها؛
سرود اختری درشامگه
این نغمه سرداد:
"زمان چون کشتزاران
سبزرستنگاه جاویدست
زمین در پرنیان سرد شب
آبستن فرزند خورشیداست!"

چنانچه گفته آمدیم، جهادی که به منظورکسب رضای خدا باشد، وعدهٔ برحق اوست که مجاهدین را درسایهٔ رحمت خویش قرار می دهد. در آیهٔ ۲۴۹ سورهٔ مبارکهٔ بقره می خوانیم:

"چه بسا گروهی اندک که به اذن خدا بر گروهی بسیار چیره شده و خدا با صبرکنندگان است."

آری، فتح به یاری و مدد خدا از آن سپاهیان خدا شده بود و ما از پی انتشار نور بلورین صبح پیروزی می دیدیم که هیچ کویی را نمی شد یافت درآن، گلبانگ روحبخش شور و هلهه و سرور نپیچد.

وارثان رنجکشیده جهاد برحق ملت مومن به ویژه بازماندگان بیشتر از دو میلیون شهید، بیوه زنان و یتیمان داغدار و هزاران انسان معلول و مصدوم را- که در پیشاپیش این سرود خوانان قرار داشتند- حال و هوای دیگری بود، می سزید تا این جمعیت بزرگ و نقش آفرین، از " ما بهار آشتی خواهیم داشت"؛ ما از آیین هستی ساز و سعادت آور خویش، فرا گرفته ایم که در صدد انتقام از مخالفان نیستیم، بل در پی صلحیم که خیر مؤمن در اوست...!

آری! سخن از آن روز زیبا و شیرین است که " روح سرخ طلوع، از مجاری مسدود شب، گذر می کرد" ولی به دنیای تلخ شب باوران اندوهی به بزرگی هندوکش و بابا و سپین غر، طاری بود. شب باورانی که کودتای منحوس شان را " انقلاب !" می خواندند، انقلابی که " بود اسمش را مسمای دگر"، یعنی آن مشت جنایتگر به سرکردگی روس های ویرانگر، طی چهارده سال برای مردم بیچاره و مسلمان ما جز مصیبت، رنج و بلا و آفت، ارمغان دیگری نیاوردند و به قول واصف مجاهدان (استاد خلیلی):

از این بازیگران دشمن آزادی مردم
چه بازی ها که هردم در لباس دوستان "دیدیم"
فضا از آه مظلومان چو ابر قیرگون"دایم"
زمین ازخون محرومان همه لاله ستان "دیدیم"
بسا طفل گرسنه دور از دامان مادرها
به جای نوک پستان نیش خنجردر دهان "دیدیم"

آری، در افق دنیای این عاملین جنایت و مظاهر شرارت و شقاوت، شب ظلمانی دیگری حکمفرما بود، شب غم بزرگ و ترس و دلهره و...! که می دیدند چه مفتضحانه شکست می خورند، شکستِ ناقابل باور در برابر سلاح ایمان ؛ و در می یابند که خشم مردم که" آیت خشم خدا و مظهر قهر و جلال کبریاست"، چگونه تبلور می یابد؟ این نعمت بزرگ سعادت و رستگاری بود که "در غریبانه ترین لحظه ها و خونبارترین روزها و ظلمانی ترین شب ها، به سراغ مان آمد و ما توانستیم امید های مان را بسراییم " و چه تحول شگرف وعظیمی بود که شاهد تکوینش بودیم؛ تحولی که مردم زجرکشیده ما و ملتهای گیتی، شاهد ذلیل شدن راهیان شب یا ارباب شر و اصحاب شیطان بودند و شاهد هزیمت و فرار و رسوایی باداران آنان، که همواره طبل ابر قدرت بودن را به گوش ها می نواختند!

در طلوع آن صبح مباهات افروز، توفیق آن ما را رفیق گشته بود که سخاوتمندانه نعمت عظمای افتخار کم بدیل را بین جهان اسلام تقسیم کنیم و آنها را با خویش همنوا یابیم که همنعره با ما، گلبانگ سرود و شور برخوانند و مژده دهند که شایسته است تا تمامی رهروان توحید در کوچه کوچه ی سرزمین هایشان، شمیم دلنواز رهیدگی و سربلندی را انتشار دهند و از فیض عطر جانپرور آن دماغ های خسته را معنبرگردانند.

آری چنین بود، آغاز رویش بهار سبز نصرت الهی، و چنین بود رویش دستان بلورین فتح، که با پرتاب نیزه های شکافنده نور، یکقلم مظاهرظلم و جنایت و بیدینی و رذیلت و فساد را–که از پدیده های کمونیزم و نظام الحادی محسوب می گشت- آهسته آهسته برچیدند تا مجال را برای تسخیرخورشید پر فروغ حقیقت بیشتر فراهم گردانند؛ خورشیدی که خدای نصرتگر، نوید طلوعش را برای سپاهیان نور، داده بود و عاشقان سحر را اینگونه در انتظار دمیدنش قرار داده بود:

"... و ما ازکسانی که جرم کردند انتقام گرفتیم وازازل یاری مومنین حقی بود برما "(یونس- ۱۰۳)

آن روز پنجم ثور(*) بود که شیپور برچیده شدن تومار سیاه رژیم کمونستی به صدا درآمد، روزی که سرآغازشکوفایی ملت بزرگ افغانستان قلمداد شد وطلایه داران نور، پیروزاعلام گردید و این قلم که به نمایندگی از سر افرازان نامدار وبا افتخارجهاد، به عنوان نخستین ترانه خوان آزادی از ورای امواج رادیو تلویزیون افغانستان معرفی شده بود، ندا در داد و درخواست کرد تا آفتاب آزادی و عدالت بر گوشه گوشهٔ این خاک پهناور بتابد و نظامی که در راه تحقق آن دوملیون شهید تقدیم شده، با صلابت وشکوه زایدالوصف پا بگیرد وبدینترتیب، عصرها و نسل هایی را که در راه اند در پناه مهربانی خود قراردهد.

ادامه در شمارهٔ آینده

جمعیت اسلامی افغانستان طی همایش...

از ۸ ثور سالروز پیروزی مجاهدین با حضور پر رنگ مردم، سران احزاب و جریان های سیاسی، اعضای کابینه و اعضای شورای ملی در کابل تجلیل به عمل آمد.

این همایش که به روز شنبه تاریخ ۹ ثور سال روان از سوی جمعیت اسلامی افغانستان راه اندازی شده بود، ابتدا با تلاوت قرآنکریم و نواختن سرود ملی آغاز یافت و سپس برخی از شخصیت ها راجع به اهمیت این رخداد و قربانی هایی که مردم افغانستان برای حفظ استقلال و نجات کشور از چنگال دیو زمان داده بودند، به سخنرانی پرداختند.

ابتداء پوهنمل سید عنایت الله شاداب عضو شورای رهبری جمعیت اسلامی، بعد از آن که حضور مهمانان را خیر مقدم گفت از قهرمانی و رشادت ملت قهرمان و کفرستیز افغانستان در دوران جهاد و مقاومت به نکویی یاد کرد و افتخارات به دست آمده توسط آن ها را ستود. اما با تأسف از موضع دولت که با یک مهمانی در ارگ ریاست جمهوری، به این افتخار کلان ملی بسنده کرد، انتقاد نموده افزود، این بی تفاوتی برای مجاهدین پا برهنه چه پیامی را می تواند داشته باشد؟

استاد شاداب در مورد نیاز صلح و ختم جنگ و درگیری صحبت نموده گفت، امروز برخی نسل جوان در اثر تبلیغات سوء به این باور اند که گویا بعد از خروج روس ها، مصالحهٔ نجیب یک امر برخاسته از میان مردم بود. چرا در آن زمان مجاهدین به آن تن درندادند. جوانان در کتاب ها بخوانند که طرح آشتی ملی از کاخ کرملین نشأت کرده بود و دام و حیله و نیرنگی بیش نبود.

صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح ضمن تبریکی پیروزی مجاهدین به قاطبهٔ ملت شریف افغانستان، رخداد ۸ ثور را پیروزی حق بر باطل و خون بر شمشیر توصیف نمود. که متن کامل سخنرانی شان را در صفحهٔ سوم همین شماره می خوانید.

در این همایش احمد ضیاء مسعود رئیس جبههٔ ملی گفت: پیروزی در ۸ ثور سال ۱۳۷۱ مرحلهٔ تازه و تحول جدید در فرهنگ سیاسی افغانستان در بعد ملی بود. وی با تصریح این که مردم ما بیشتر از هرچیز دیگر، به برپایی یک حکومت مردمی که از مشروعیت لازم سیاسی برخوردار باشد نیاز دارند تاکید نمود که، ایجاد یک حکومت مشروع و مردمی در نتیجهٔ اشتراک سیاسی اکثریت مردم از طریق احزاب سیاسی امکان پذیر است.

عبدالهادی ارغندیوال رهبر حزب اسلامی و وزیر اقتصاد گفت: جهاد برای مردم افغانستان عزت داد، اما این که امروز مجاهدین به تعبیر او ذلیل شده است، بخش از این مسوولیت ها به عهده خود مجاهدین می باشد.

آقای ارغندیوال با ذکر خاطراتی از یک مادر شهید افزود، سال های جنگ داخلی مادری را دیده ام که بیرق سبز قبر پسرش را دور می ساخت. گفتم مادر چرا این کار را می کنید؟ گفت: برای این که می خواهم دیگر فرزندم شهید گمانی باشد و کسی به قبرش به عنوان یک مجاهد آسیب نرساند. او با ذکر این خاطره مجلس را در سکوت فرو برد و همه را به یاد گذشته ها و صفا و صمیمیت دوران جهاد انداخت.

داکتر عبدالله عبدالله رهبر ائتلاف ملی گفت: آنچه که پس از پیروزی مجاهدین به وقوع پیوست عوامل داخلی و خارجی آن را همه می دانند، اما این ظلم است که پیروزی را که مجاهدین با دادن قربانی های زیادی به دست آوردند، نادیده گرفته شود و قصداً به فراموشی سپرده شود. او افزود پایان جنگ سرد با شکست روس ها توسط افغان ها نطقهٔ عطف در تعاملات سیاسی و نظم جدید در روابط بین المللی بود. رئیس جبههٔ ملی با اشاره به این که برخی ها گویا جریان مربوط به او را مخالف پروسهٔ صلح می دانند افزود، این اشتباه است که برخی ها ما را می گویند که با پروسهٔ صلح مخالفت می کنیم، با صلح کسی مخالفت می کند که هر روز خون بیگناهان را می ریزند. اما صلحی که در آن عدالت تأمین شود ، ثبات به میان بیاید و ارزش های مشترک حفظ گردد، هرگز مخالفت به آن نداریم. قاضی امین وقاد عضو ارشد شورای عالی صلح نیز در این همایش سخنرانی نمود. او با یاد و خاطرات دوران جهاد گفت: پیروزی در ۸ ثور افتخار تمام مجاهدین افغانستان است. او افزود اکنون نیز در یک هماهنگی به منظور حفظ ارزش های جهادی و برای حفظ وحدت ملی تلاش های صلح خواهانه خود را ا انجام می دهیم.

حاجی دین محمد عضو دیگر شورای عالی صلح گفت: دنیای غرب در زمانی که مجاهدین با روس ها می جنگیدند با افتخار از آن ها یاد می کردند، اما وقتی روس ها شکست خورد و جنگ سرد به پایان رسید، دیگر همان مجاهدین از سوی آن ها به جنگ سالاران تبدیل شدند که این خود تیوری توطیه را برملا می سازد. وی اظهار امیدواری کرد که مجاهدین دیروز، امروز درکنار هم برای تأمین ثبات در چارچوب شورای عالی صلح تلاش می نماید.

در حاشیهٔ این همایش فلم مستندی از سخنرانی های استاد شهید که به مناسبت ۸ ثور طی سال های گذشته ایراد شده بود به نمایش گذاشته شد. همچنان تیم ترانهٔ سرود حماسی را زمزمه کردند که برخی ها را به یاد گذشته ها انداخت و از گروه سرود قدردانی کردند. در آخر محفل با دعایهٔ مولوی جوره یکتن ازعلمای دین به پایان رسید.

فرخنده باد جشن ملی ۸ ثور

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت میکنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارګان نشراتي جمعیت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ ششم ۱٦ ثور ۱۳۹۱ ۱۳ جمادی الثانی ۱٤۳۳ – 5 May 2012

رفیق بحر

په قبائیلی سیمو کې د بې پیلوټه الوتکو د بمباریو ادامه، پایلې او ګواښونه



نږدې څلور کلونه وړاندې د امریکا په متحده آیالتونو کې د «اوباما» واک ته له رسیدو وروسته چې له کله راهیسې د ترهګرۍ(؟) پر خلاف رواني جګړې لپاره د امریکا د نوي استراتیژۍ عملي کیدل پیل شو نو د هغې له مخې دغه جګړې نوي ابعاد غوره کړل؛ لکه دا چې د جګړې پر مخ بیولو سره سره د افغانستان د دولت له مخالفینو سره د سولې لیار نیول او هم جګړه د پولې ها غاړې قبایلي سیمو ته غزول او د پاکستان په خاوره کې هم د ترهګرو(؟) تعقیبول او له مینځه یې وړل. چې پدې لړ کې د ډراوون (بې پیلوټه) الوتکو عملیات د جګړې مهمه وسیله ګڼل شوې ده.

د شمالي او جنوبي وزیرستان په ګډون د پاکستان په مختلفو قبائیلی سیمو کې ددغه عملیاتو له لیارې ګڼ هغه هدفونه په نښه شو چې د امریکا متحده آیالتونو او یا د ناټو ځواکونو ته مطلوب وو، چې په نتیجه کې یې د بیت الله مسعود او اسامه بن لادن په شمول افغاني، پاکستاني او عرب او د نورو هیوادونو ځینې اوریکي ووژل شول خو لاتر اوسه نه ترهګري(؟) ختمه شوه او نه هم د سیمې په دوارو هیوادونو کې امنیت رامینځته شو؛ بلکې د سیمې دواړه هیوادونه افغانستان او پاکستان) لاتر اوسه ددغې جګړې له اور څخه په آمان ندي. که د افغانستان دننه وګورو نو وینو چې که څه هم د جګړې نوعیت بدل شوی دی او هغه دا چې د مخالفینو لخوا د منظمو چریکي او ګروپي یرغلیزو عملیاتو پر ځای اوس انفرادي او غلچکی سرتیری بریدونه ترسره کیږي چې ډیر خلې یې بدني او مادي زیانونه د پخواني نوعیت له عملیاتو څخه لاهم ډیر وي او لامله یې د افغانستان دولت په آسانی سره مخنیوی هم نشي کولای خو د دولت د مخالفینو حملې لاهم ډیرې شوی دي او د پولې هاغاړې هم پاکستاني طالبانو او نورو اوریکو دغه نوی تکتیک خپل کړی دی

چې د پاکستان له حکومت څخه یې هم، وار پار خطاء کړیدي؛ او له امریکا سره د ترهګرۍ(؟) پر خلاف په روانه جګړه کې یې پاکستان د (یو خوا ډانګ او بلې خوا ته پړانګ) له ګواښونو سره مخ کړی دی چې دا ډول عملیاتو او هم د آیبټ آباد په سیمه کې د اسامه بن لادن د وژلو لپاره د امریکا د ځانګړو پوځونو لخوا عملیاتو د پاکستان له دوه مخې پالیسی څخه د پردې پورته کولو په نتیجه کې پاکستان نور د ډراوون الوتکو له هغو بمباریو سره د مخالفت په پوله ودراوه چې واکمنانو یې د امریکا سره په پټه کې منلې وې او له همدې امله د روان کال په دوران کې په ځانګړې توګه او ددغو حملو له پیل څخه په عامه توګه ددغو عملیاتو په نتیجه کې زیان یوازې اوریکو ته نه؛ بلکې عام ولس ته هم اوښتی دی؛ لکه چې د افغانستان دننه هم د امریکا او د ناټو په ړندو بمباریو او د شپې لخوا عملیاتو کې عام ولس ته د دولت د مخالفینو څخه ډیر خلې، زیات زیانونه اوښتي دي چې پدې لړ کې د کنړ، نورستان، لغمان، قندهار، هلمند، پکتیا او ننګرهار په ولایتونو سربیره په ځینو شمالي او لویدیځو ولایتونو کې هم دا ډول پیښې رامینځته شوې وې.

د پاکستان د ولسي جرګې او دولتي چارواکو لخوا د ډراوون الوتکو سره د مخالفت د رااوچتیدو سره سره، تیره اونۍ یوځل بیا امریکایي بې پیلوټه الوتکو (ځانته پدې هکله د حق لرلو پر بنیاد) حملې ترسره کړي، چې د امریکا دغه حملې د پاکستاني چارواکو لخوا په څرګنده توګه د مخالفت کولو او له امریکا څخه یې د بندولو له غوښتنې وروسته ځانګړي نوعیت لري؛ هغه چې امریکایې د رواني جګړې لپاره د اوریکو په ځپلو کې مؤثره وسیله ګڼي او پاکستان یې د خپلې ځمکنۍ بشپړتیا په حریم باندې تجاوز ګڼي او له همدې امله تیره اونۍ ددې حملو له ترسره کیدو وروسته چې کله په امریکا کې د یو امریکایي مقام له دغه دریځ څخه په یوه مهمه غونډه کې دفاع کوله نو د نوموړي د دفاع پر مهال د یوې ښځې لخوا د سختې لفظي حملې لاندې راغی خو د غونډې د نظم د ګډوډیدو د مخنیوي لپاره له دایرې شوې غونډې څخه نوموړې ښځه وویستلی شوه.

دا پداسې حال کې ده چې د افغانستان دولت او استخباراتي اداري په خپل هیواد کې د دولت د مخالفینو اصلي روزنځایونه د پاکستان خاوره ګڼي او چې تر څو پاکستان د دا ډول فشارونو او ګواښونو لاندې رانشي نو د افغانستان په خاوره کې دادمن امنیت نشي راتلای او کله کله د پاکستان حکومت هم په افغانستان باندې نیوکه کوي چې د دوی مخالفین د افغانستان له خاورې څخه را اوړي، پداسې حال کې چې د سیمې دواړه هیوادونه اسلامي هیوادونه دي، ورته کلتور او ډیر ځلې ګډې ګټې او ارزښتونه لري خو بیا هم له یو بل څخه یې د ګيلو او پر خلاف یې د ناندریو او بې باوریو دوسیه همداسې لاخلاصه ده. نو بیا آخېر څه عوامل دي او یا کوم لاسونه دي چې له امله یې د دواړو ترمینځه باور نه راپیدا کیږي؟ که چیرې پاکستان په ریښتني توګه د ځان تر څنګه یو پیاوړی او پر ځان متکي افغانستان تحمل کړي او د سیمه ایزې برلاسۍ د تشې له غونډۍ څخه راښکته شي، چې د کومې لامله د (مه کوه پر چا چې ویه شي پر تا) له ګواښونو سره مخ دی، ښایې د سیمې دواړه حکومتونه هم یو بل ته هماغسې نږدې شي لکه چې ولسونه یې پر یو بل خفه کیږي. او ناټو او متحده آیالتونو ته به د ترهګرۍ(؟) پر خلاف د روانې جګړې پلمه هم پاتې نشي کومې چې امریکا هم له پښو غورځولې او د ناټو غړي هیوادونه یې هم د امریکا سره پدې جګړه کې په ملګرتیا باندې نور ستړي کړي دي چې اوس د امریکا لپاره، ښایې د نظامي لیارې پر ځای په سیاسی ستیج باندې پاکستان د ګواښ لاندې نیول او ورسره د خپلو مرستو د کمولو سیاست خپلول، په سیمه کې د هغې رواني جګړې د جاري ساتلو څخه ګټور اوسي چې د نا امنیو د ورکولو او ختمولو پر ځای یې نا امنۍ لاهم ډیرې کړي دي او که په ریښتیني توګه امریکا د افغانستان د خلکو سره مرسته کول غواړي نو په سیمه کې د یو پیاوړي هیواد د ګرځولو په نیت باید ژر تر ژره ددغه هیواد امنیتي ارګانونه د کمیت، کیفیت او تجهیزاتو له مخې په پښو ودروي؛ ځکه که داسې ونکړي نو که رواني جګړې اوریکي ختم نکړای شو او لایې ډیر کړل ښایې چې بې ثباته افغانستان یو ځل بیا د همدوی لپاره ګواښ وګرځي.

پر دیموکراسي باندي ملنډې

ځپاند

شکر چی ټول افغانان یو او هم مسلمان هم
شکر چی متفقه اساسی قانون لرو، دیموکراسی لرو او باید یې ساتنه و کړو.
د غونډو د جوړو قانوني جواز لرو
د بیلا بیلو فکرونو خاوندان کولای شی چی غونډی جوړی کړی... حق لرو چی پر حکومت او شورا باندی نیوکی ولرو او ویې وایو...
مونږ باید خپل ټول قانونی حقونه وپیژنو او باید یی وساتو...
خو نه پوهیږم!
چی ولی ځیني خلک او پت مخونه، پر قانون باندی یرغل کوی؟
پټ مخونه ولی؟
دوي له چانه ډاریږی او مخونه پټوی؟
دا اجازه د کوم قانون له خوا دوی ته ورکړل شوی چی د هیواد د ولسمشر او مخورو مشرانو عکسونه وسوځوي؟
داکوم قانون دی؟
دوي خو د خداي سره جنګیږی د خداي اسلام او رالیږل شوی پیغمبر نه منی!
اوس دوی قانون هم نه منی؟
آیا داکار له کلتور او فرهنګ څخه ډیر لری او د حیوانیت سره مشابه ندی؟
دوی څه غواړی؟ د دوی شمار سره له کتونکو ایله سلی کسه نه کیږی؟
دا لوي افغانستان دی! دلته کم له کم شل میلیونه انسانان ژوند کوي....
دوی حق لري چی جمهور رئیس وټاکی....
دوی حق لری چی د ولسی جرګی او مشرانو جرګی غړی وټاکی... د حکومت وزیران او ځینی نور کسان د خلکو د استازو په رایه قانوني مراحل طی کوي...
دا د خلکو رایه ده... دا د خلکو نظره ده... دا رایه او نظر، غونډه نه غواړی... دا واضح حق ده چی خلکو په دی حق باندی خبر دی او عملی کوی یی...
نو دا اعتراضی غونډی او پټ مخونه، دچا څرګندویه ده ؟
آیا د دوی اعلان شوی ګوند، له حکومت څخه جواز اخیستی یا نه؟
دوی پر دیموکراسی باندی ملنډی وهی!
مړه دی وی د دیموکراسی دښمنان او تور پټ مخونه!

امضای پیمان راهبردی، بیم ها و ...

نیروهای امنیتی این کشور را آموزش خواهد داد و ساختارهای دموکراتیک در افغانستان را تقویت خواهد کرد. رئیس جمهور امریکا گفت، کشورش در صدد ایجاد پایگاه های دایمی در افغانستان نیست. رئیس جمهور کرزی در این کنفرانس خبری به کشورهای همسایه افغانستان اطمینان داد که هیچ خطری از خاک افغانستان متوجه آنها نخواهد شد.

کرزی گفت، امضای این سند بین افغانستان و امریکا هیچ تهدیدی را متوجه کشور سومی از جمله همسایه های افغانستان نمی کند.

مقام های حکومت افغانستان گفته اند که، این سند پس از تأیید پارلمان افغانستان از سوی رئیس جمهور کرزی توشیح و در جریدهٔ رسمی به نشر خواهد رسید و در اختیار عموم مردم قرار خواهد گرفت.

گفتگوهای امضای پیمان راهبردی میان افغانستان و امریکا از سال ۲۰۰۵ آغاز گردیده بود. تمایل هر دو طرف زمانی شدت گرفت که جامعهٔ جهانی در جنگ با تروریسم نتوانستند به دستآوردهای چشمگیری نائل آیند. ثبات و امنیت به طور قطع طی ۱۱ سال گذشته تأمین نشد و این کشور از رشد سریع در عرصه های مختلف باز ماند.

پیمان راهبردی در شرایطی به امضا می رسد که بحران افغانستان به گذشت هر روز ابعاد تازه به خود می گیرد. برخی از تحلیل گران می گویند، امضای این گونه پیمان ها نه تنها افغانستان را به ثباتی می رساند بلکه، به آتش جنگ، نفت پاشیده و شورشیان را تحریک بیشتر می کند.

اما در عین حال برخی دیگری از تحلیلگران با خوشبینی های بیشتر می گویند در شرایط که افغانستان در معرض تهدید قرار دارد، داشتن یک شریک استراتیژیک مانند امریکا به نفع آیندهٔ افغانستان است. آنان می گویند کشورهای پسا منازعه مانند کرهٔ جنوبی، جاپان، آلمان، تایوان،... توانستند بعد از جنگ دوم جهانی در کنار امریکا به شگوفایی برسند. اما گمان می رود که شرایط افغانستان و بستر اجتماعی که طی قرن ها در این مملکت ریشه دوانده، مانع آن خواهد شد، تا مردم افغانستان با داشتن شریک راهبردی چون امریکا این مسیر را به سادگی بپیمایند.